انترناسیونال

حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۷۴

جمعه ۶ تیر ۱۳۹۹، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۰

بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره

موج دوم کرونا و موج تازه اعتراضات

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

موج دوم کرونا در ایران آغاز شده است. آمار مبتلایان و کشته شدگان رو به افزایش است و در بسیاری از استانها به نقطه اوج تازه ای رسیده است. جمهوری اسلامی در شکل دادن به موج دوم نیز مانند آغاز شیوع کرونا در ایران نقش مستقیمی ایفا میکند. همچنان در مورد آمار واقعی مبتلایان و فوتی ها به مردم دروغ میگویند، برای پیشگیری از شیوع کرونا هیچ اقدامی انجام نمیدهند و در عوض با براه انداختن مراکز کار و نماز جمعه ها و امامزاده ها و لغو محدودیتهای مسافرتی بخش هر چه بیشتری از مردم را در معرض ابتلا به این بیماری مهلک قرار میدهند.

یک مساله مبرم و حیاتی بخش وسیعی از کارگران و اکثریت عظیم مردم که بزیر خط فقر رانده شده اند تامین معاش است و تامین معیشت روزانه نیز به مساله حفظ جان و سلامت مردم در مقابله با ویروس کرونا افزوده شده است. امروز جان و سلامت کارگران و بخش وسیعی از توده مردم که برای گذران زندگی خود مجبورند هر روز کار کنند به تامین معیشت آنان گره خورده است و خواست تامین معیشت و گذران زندگی روزانه به یک رکن مهم اعتراضات کارگران و بخشهای محروم جامعه تبدیل شده است.

این وضعیت جامعه را در آستانه دور تازه ای از خیزش توده ای علیه جمهوری اسلامی قرار داده است. موج دوم کرونا با موج تازه ای از تجمعات و اعتراضات و اعتصابات همراه است. گفتمان و فریاد من در ایران نمیتوانم نفس بکشم در

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی ایجاد شوراها پیش به سوی اعتصابات

اعتصاب کارگران هفت تپه

چهارم ژوئیه سالروز درگذشت منصور حکمت عزیز!

دوره هائی در تاریخ هست که بشریت نمایندگی نمیشود. مبارزه هست، همیشه مبارزه هست، مردم معترض هستند، آرمان آزادی هست، آرمان برابری طلبی و عدالت و رفاه هست، ولی زیرنویس تاریخ است، در متن نیست، به سیاست ترجمه نمیشود، در فرهنگ و هنر رسمی از کنارش میگذرند. و هر چه هست تباهی و سیاهی است. یک دوره نمونه این تاریخ دوره قرون وسطی است، ونمونه دیگر زمانه ماست اگر منصور حکمت نبود "حمید تقوائی"

صفحه ۷

موج دوم کرونا و موج دیگری از خیزش عمومی علیه حکومت
مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی
صفحه ۳

کارگران نیشکر هفت تپه الگوی مبارزه همه کارگران
مصاحبه با شهلا دانشفر
صفحه ۴

از کنفرانس برلین تا تعقیب و فرار قاضی حکومت
اصغر کریمی
صفحه ۵

پیرامون کنفرانس و برنامه های حمایت از روز جهانی زندانیان سیاسی
صفحه ۶

او ضرورت زمانه بود
متن سخنرانی حمید تقوائی در اولین مراسم بزرگداشت منصور حکمت بعد از مرگ او - تیرماه ۱۳۸۱
صفحه ۷

اطلاعیه ها
صفحات ۱۵، ۱۶

اطلاعیه در مورد انتخاب هیات اجرائی حزب

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد یازدهمین روز خود شد

نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد

در محکومیت حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی

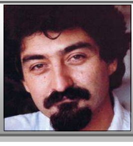

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

از صفحه ۱

موج دوم کرونا و موج تازه اعتراضات

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

مدیای اجتماعی طنین افکنده است و تجمعات و اعتصابات کارگری در شهرها و مراکز تولیدی مختلف رو به گسترش است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصابی که ده روز است با قدرت ادامه دارد تعرض تازه ای را شروع کرده اند، و این حرکت حمایت وسیع نهادها و تشکلها و گروه های کارگران را بخود جلب کرده است. بیانیه های زندانیان سیاسی و تجمعات اعتراضی معلمان و پرستاران و کارگران دهها کارخانه و مرکز تولیدی در سراسر کشور نیز نشانه اوجگیری تازه مبارزات در دل بحران کرونا و در مقابله با جمهوری اسلامی است.

مقابله با فلاکت و شرایط سخت معیشتی در محور خواست کارگران و مردم معترض قرار دارد ولی هدف و انگیزه این مبارزات از مسائل معیشتی فراتر میرود. جنبش توده ای که شکل میگیرد در ادامه مبارزات آبان و دیماه سال گذشته، جنبشی است که کل نظام حاکم را بچالش میکشد. جامعه ای که در دیماه و آبان ماه ۹۸ با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد بمیدان آمد، در بسیاری از شهرها کنترل محلات را بدست گرفت، و تا حمله به دفاتر امام جمعه ها و بانکها و مقرات یگانهای ویژ و درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر حکومتی به پیش رفت، دوباره و این بار برای تسویه حساب نهائی با حکومت جلادان حاکم بمیدان می آید. این بار نیز مانند خیزش ۹۶ و انفجار آبانماه ۹۸ شرایط فلاکتباراقتصادی و معیشتی زمینه ساز حرکات اعتراضی است اما در این دور نیز مردم بپاخاسته به سرعت و با شتابی حتی بیش از گذشته کل حکومت را بچالش خواهند کشید. بر متن بحران کرونا فلاکت و بی تامینی اقتصادی، فساد و دزدی و اختلاس، شکاف عظیم بین ثروتهای نجومی و فلاکت عمومی، سرکوب و بازداشت و اعدام، در جامعه بیداد میکند و بیش از چهل سال تجربه به مردم آموخته است که حل همه این مسائل در گرو سرنگونی و نابودی کل نظام جمهوری اسلامی است.

از سوی دیگر حکومت در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد. بحران مزمن اقتصادی که از قبل از دوران کرونا گریبان حکومت را گرفته بودو امروز به مرز ورشکستگی و فروپاشی کامل رسیده است، رسوائی و بی اعتباری کامل حکومت در سطح جهانی بدنبال کشتار مردم در خیزش ابانماه ۹۸ و شلیک به هواپیمای مسافربری، فساد و دزدی و ارتشا و اختلاس مقامات که آخرین نمونه آن افتضاح اختلاس و رشوه های میلیاردی در قوه قضائیه است، و تضعیف بیش از پیش موقعیت منطقه ای حکومت که در خیزش مردم لبنان و عراق و سوریه و طرح خواست اخراج جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی وابسته به آن از این کشورها منعکس میشود، جمهوری اسلامی را در متزلزل ترین و بی ثبات ترین موقعیت خود در تمام طول حاکمیتش قرارداده است.

این شرایط چشم انداز تسویه حساب نهائی با نظام جمهوری اسلامی را در مقابل جامعه قرار میدهد. امروز حتی تامین معیشت و گذران زندگی روزانه اکثریت عظیم مردم به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است. جامعه ای که زیر فشار فقر و سرکوب و بیحقوقی نمیتواند نفس بکشد، در مقابل حکومتی که از نظر افتصادی و اجتماعی و سیاسی کاملا ورشکسته است بمیدان می آید. این جنگ را میتوان و باید با شکل دادن به اعتصابات سراسری، با تظاهرات و تجمعهای اعتراضی، با تشکیل جمعهای کنترل محلات و نهایتا با قیام و درگیری مسلحانه به پیش برد و به پیروزی رساند. دو سال قبل کارگران هفت تپه با شعار اداره شورائی در پیشاپیش صف جنبش سرنگونی بمیدان آمدند. این شعار امروز نیز روشنگر راه مبارزه و تسویه حساب نهائی با جمهوری اسلامی است. باید کل نظام و ماشین دولتی حاکم را در هم کوبید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. *

پایان موج دوم کرونا میتواند پایان جمهوری اسلامی باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۳۹۹
۲۵ ژوئن ۲۰۲۰

بحران کرونا، بحران نظام سرمایه داری است، نه بحران جامعه انسانی!

تبدیل ویروس کرونا به یک بحران و یک فاجعه اجتماعی، ناشی از غیر انسانی بودن نظام حاکم، نظام سرمایه داری است که بر محور سوداندوزی و نه پاسخگوئی به نیاز مردم بنا شده است.

موج دوم کرونا و موج دیگری از خیزش عمومی علیه حکومت

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

خلیل کیوان: بر اساس آماری که حکومت منتشر کرده، وضعیت استان های بیشتری از سفید به قرمز اعلام شده. در ۱۴ استان وضعیت قرمز است و مشکل بسیار حادتر شده است. از سوی دیگر ما با یک رشته از مبارزات تازه در ایران روبرو هستیم. در دل همین شرایط کرونایی اعتصاب هفت تپه را داریم که بطور وسیعی از طرف کارگران پشتیبانی شده و هم اکنون در جریان است. تجمع معلمان را داشتیم. و همچنین تجمعات بخشهای دیگری از کارگران را. همینطور گفتمانی که مدتی است تحت عنوان "من نمیتوانم در ایران نفس بکشم" براه افتاده. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

حمید تقوائی: تا آنجا که به ادامه و موج دوم بحران کرونا مربوط میشود این امر کاملا قابل پیش بینی بود. ما مدتهاست هشدار میدهیم که این اتفاق می افتد و مردم باید خودشان را برای این شرایط آماده کنند.

میدانید که در ایران وضعیت ویژه است. کرونا یک مساله جهانی است ولی در ایران جمهوری اسلامی مشخصا خودش بعنوان یک عامل شیوع ویروس کرونا کار کرده و هنوز هم همان سیاست را دنبال میکند و طبعا در مقابل موج دوم بحران کرونا هم هیچ احساس مسئولیتی ندارد و اقدامی هم انجام نمیدهد. برعکس میخواهند به قیمت جان و سلامت کارگران بقول خودشان اقتصاد را راه بیاندازند و اینطور جلوه بدهند که اوضاع عادی شده است. حتی نماز جمعه ها را شروع کرده اند. این حکومتی است که آخرین چیزی که برایش مطرح است جان و سلامت مردم است.

به همین خاطر به نظر من موج دوم کرونا در ایران ابعاد گسترده تری از بقیه دنیا پیدا خواهد کرد. و همانطور که مردم از ابتدا در برابر شیوع ویروس کرونا و اقدامات حکومت که به آن دامن زد ایستادند الان هم باید مردم به همت خودشان با این فاجعه مقابله کنند. بخصوص مساله معیشت در این دوره برجسته میشود و باید جمهوری اسلامی را بعنوان دولتی که مسئول تامین معیشت همه مردم هست تحت فشار قرار داد.

از آن طرف هم همانطور که اشاره کردید موج تازه ای از اعتصابات و اعتراضات شروع شده است. ما این را هم پیش بینی میکردیم. روشن بود که بدنبال کرونا موج گسترده ای از اعتراضات و مقابله مردم نه تنها با فاجعه کرونا بلکه با کل شرایط و بویژه با وضعیت فلاکت باری که در ایران هست شکل خواهد گرفت. و امروز در دل بحران کرونا شاهد آن هستیم که کارگران دوباره بمیدان می آیند، اعتصابات و تجمعات شروع میشود و این آغازگر موج دیگری از خیزش عمومی علیه حکومت است.

خلیل کیوان: دو نکته را در صحبت هایتان تاکید کردید. یکی مساله مبارزه حول معیشت و همینطور شدت گرفتن دور تازه مبارزات. به هر کدام از اینها تک تک میپردازیم. ابتدا بگویید که منظور شما از موضوع معیشت چیست؟ چطور باید دولت را ناچار کرد، یا لااقل با طرح مطالبه ای در وضعیتی قرار داد که معیشت مردم را تامین کند. راه حل شما چیست؟

حمید تقوائی: مساله معیشت در ایران همیشه مطرح بوده است. از جمله نقاط اوج مبارزه مردم بر سر معیشت خیزش ۹۶ بود که با اعتراض به بیکاری و گرانی شروع شد و بعد هم خیزش ۹۸ که جرقه آنرا گرانی بنزین زد. تامین معیشت همیشه موضوع اعتراضات توده ای بوده است. در دوره کرونا این مساله بمراتب تشدید شده است. کرونا موجد بحران اقتصادی وسیعی است و برای جمهوری اسلامی، که اقتصادش از قبل از کرونا هم در حال فروپاشی بود، این ضربه مهلکی است اما مردم نباید بهای آنرا بپردازند. خواستی که مردم دارند، خواستی که در کشورهای دیگر هم مطرح شده، اینست که دولت مسئول تامین معیشت همه مردم است و مستقل از اینکه هر کس کار میکند یا بیکار است، موقعیت شغلی اش چیست و مستقل از اینکه دولت برای حل مشکلات اقتصادی خودش چه راه حلی دارد یا ندارد، دولت در قبال تامین معیشت همه شهروندان مسئول است و باید زندگی همه را تامین کند. این مطالبه را ما مدتی است اعلام کرده ایم و در جامعه هم وسیعا این مطرح شده است. هم اکنون کارگران اعتصابی هفت تپه اعلام کرده اند که مهم نیست چه کسی باید حقوق ما را بدهد؛ اینکه کارخانه ورشکست شده یا نشده است، یا در دست بخش خصوصی است و یا دولتی است، در هر حال هر چه هست ما حقمان را میخواهیم؛ زندگی ما و خانواده هایمان باید تامین بشود و دولت مسئول است.

این یک گفتمان عمومی در جامعه هست و به نظر ما در این دوره خواست محوری که مردم باید مطرح کنند تامین معیشت همگان بوسیله دولت است. دولت باید به همه کسانی که بیکارند یا درامدشان کفاف زندگی شان را نمیدهد حقوق پایه بپردازد در حدی که بتوانند یک زندگی درخور شان انسان در قرن بیست و یکم داشته باشند. تامین معیشت همه مردم مستقل از شرایط کاریشان بوسیله دولت یک شعار اساسی ای هست که باید در این دوره در دست گرفت.

خلیل کیوان: حمید تقوایی اولین سئوالی که مطرح میشود این هست که دولتی که حقوق های عده ای از کارگران را چند ماه چند ماه پرداخت نمیکند و هیچ مسئولیتی در بخش ها و حوزه های دیگر زندگی بر عهده نمیگیرد مگر ممکن است حقوق پایه و همگانی را پرداخت کند؟ بعلاوه، وقتی که در یک بحران اقتصادی هستیم منابع پرداخت حقوق پایه و همگانی کجاست؟ دولت از کجا این باید این پرداخت ها را تامین کند؟

حمید تقوائی: بگذارید از همین منابع شروع کنم. آنوقت جواب بخش اول سئوالتان هم روشن میشود. منابع به حد وفور وجود دارد. تنها یک مورد همین دزدیهائی که در پرونده طبری دارد رو میشود را در نظر بگیرید، یک قلمش ۵۰۰ هزار یورو دزدی منصوری یک قاضی درجه چندم حکومت است. اقلام بسیار بزرگتری

ادامه در صفحه ۸

کارگران نیشکر هفت تپه الگوی مبارزه همه کارگران

مصاحبه با شهلا دانشفر

انترناسیونال: اکنون حدود دو هفته است که دور جدید اعتصاب و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه شروع شده است. این اعتراضات حمایت و پشتیبانی بخشهای مختلف کارگران و مردم را با خود دارد و با توجه به سابقه مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه توجه زیادی بخود جلب کرده است. در این رابطه با شهلا دانشفر گفتگویی داریم.

انترناسیونال: شهلا دانشفر بنظر شما مهمترین ویژگی این دور از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه چیست؟ شما چه جنبه هایی را بیشتر مورد توجه قرار میدهید؟

شهلا دانشفر: هفت تپه نمادی از فضای انفجاری جامعه ایست که فریاد میزند و میگوید ما هم در ایران نمیتوانیم نفس بکشیم و دارد صف اعتراضش را برای پایان دادن به این بساط جهنمی سازمان میدهد. در همین راستا بارزترین ویژگی این دور از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه فضای خشم و انفجاری حاکم بر این حرکت و تعرضی بودن اعتراضات این کارگران است. اما خصوصیات بارز دیگر این جنبش بر افراشتن عملی پرچم شورا و اتکا و تصمیم گیری از طریق مجمع عمومی یعنی مشارکت همه کارگران اعتصابی است. سنت مجمع عمومی و شورا یک سنت بسیار مهم در جنبش کارگری و در کل جامعه است و هفت تپه دارد عملا این سنت را در جامعه جا می اندازد. هم در دوره قبل که با شعار اداره شورایی جلو آمد و هم اکنون که میگوید ما با اتکا به مجمع عمومی و به شیوه شورایی اعتصابمان را به پیش میبریم.

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری و بساط چپاول و دزدی در کارخانه و تعرض هر روزه به زندگی و معیشتشان است. این کارگران در چهار سال اخیر اعتراضات بسیاری داشته اند و نقطه درخشان آن در سال ۹۷ بود. اما امروز کارگران در دل بحران کرونا و رشد افسار گسیخته قیمت ها و اینکه همچنان با معضلاتی همچون نپرداختن دستمزدها، عدم تمدید دفترچه های بیمه و اخراجها و قراردادهای موقت کاری درگیرند، یک پارچه خشم و اعتراضند. بویژه وقتی کارگر به چشم خود می بیند که چه پولهای کلانی را باند مافیایی اسد بیگی به جیب زده اند، و توسط همین دار و دسته و همدستان حکومتی شان چه مکافاتی بر سر آنها آمده است، حق به جانب تر به جلو آمده و فریاد میزند و حق و حقوقش را طلب میکند. از جمله کارگر میگوید به من ربطی ندارد که اسدبیگی پولهایش بلوکه شده است. من سرم نمیشود که چه کسی میخواهد حقوق من را بدهد. دولت میخواهد بدهد یا قوه قضاییه، من مزدم را میخواهم. میگوید مملکت درآمد زیادی دارد و حقوق ما در اولویت است و حکومت مسئول است و ما هیچ بهانه ای را نمیپذیریم. ما کار کرده ایم و پولمان را میخواهیم. و اینها حرفهایی است که هر روز در سخنرانی های پرشور کارگران نیشکرهفت تپه بر فراز "سنگر" فریاد زده میشود. از سوی دیگر حرف کارگران در این اعتراضات اینست که با اینهمه تورم دستمزد ما کارگران باید بالای ده میلیون باشد.

در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه نیشکر هفت تپه همچنان نقش پیشتاز خود را داشته و بار دیگر این کارگران با پرچم شوراها متحدانه و هوشیارانه در مقابل هرگونه تفرقه ای همچون تن واحدی ایستاده اند. از جمله در همین مدت داردوسته هایی از همین باند مافیایی هفت تپه تلاش زیادی کردند که بین کارگران تفرقه ایجاد کنند. بر سر محل تجمع تشتت و اختلاف ایجاد کنند. و در کنار این تلاش ها زمزمه های تعطیل شدن هفت تپه به پا شد تا کارگران از مبارزه شان دلسرد شوند. اما کارگران با اعلام اینکه ما شورایی تصمیم میگیریم و هر چه جمع بگوید به آن عمل میکنیم در مقابل آن ایستاده اند. بدین ترتیب این کارگران هر روزه مجمع عمومی خود را برپا میکنند و در سخنرانی هایشان همه تاکیدشان بر تصمیم گیری جمعی و حفظ اتحادشان است و یک صحنه پرشور از این اتحاد راهپیمایی کارگران در محوطه کارخانه با شعار "کارگر نیشکر هفت تپه، اتحاد، اتحاد" بود.

بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه علیرغم سرکوب وحشیانه اعتراضاتشان در سال ۹۷ توسط جمهوری اسلامی، علیرغم علم کردن "شورای اسلامی کار" به عنوان نهادی دست ساز خود برای عقب راندن اعتراضات و سربلند کردن دوباره شوراها در این مرکز مهم کارگری، در چنین قامت برافراشته ای دوباره سر بلند کرده و به میدان آمده اند و دارند خواستهایشان را طلب میکنند. از جمله خواستار بازگشت به کار رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی خود بر سر کارند. کشیده شدن اسدبیگی و رستمی و دارو دسته مافیایی آنها را نتیجه مبارزات خود دانسته و خواستار مجازات آنها هستند و تاکیدشان بر جارو شدن بساط چپاول بخش خصوصی از این کارخانه است.

آنچه امروز در هفته میگذرد را باید بر متن اوضاع سیاسی جامعه نگاه کرد تا تصویر روشنی از اتفاق مهمی که در هفت تپه در جریان است پیدا کرد. واقعیت اینست که خیزش آبان و دیماه را جمهوری اسلامی سرکوب کرد، اما نتوانست جامعه را از خواستها و مبارزاتش عقب براند. و امروز در موج دوم کرونا شاهد این هستیم که مردم جانشان را از کف دستشان گرفته و به خیابان آمده و با تجمعات اعتراضی هر روزه خود در اینجا و آنجا دارند حق و حقوقشان را طلب میکنند. حکومتیان خود از شورش های پساکرونایی مردمی هشدار میدادند و همه شواهد

ادامه در صفحه ۱۰

یک اقدام موثر و مهم در جهت جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در اثر رفت و آمد و تجمع مردم، وهم یک راه کارآمد اعتراض و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی، سازمان دادن اعتصابات سراسری قدرتمند است!

پیش بسوی اعتصابات سراسری

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از کنفرانس برلین تا تعقیب و فرار قاضی حکومت

اصغر کریمی

تعقیب منصوری و فرار او به رومانی یک واقعه مهم سیاسی و ضربه ای به جمهوری اسلامی است. یک ضربه سیاسی که صرفا جنبه افشاگرانه ندارد بلکه حلقه ای از زنجیری است که حضور جمهوری اسلامی را در کشورهای غربی محدودتر میکند. به حضور جمهوری اسلامی در کشورهای غربی باید پایان داده شود. فضای این کشورها باید برای کلیه جنایتکاران حاکم و سابق جمهوری اسلامی ناامن شود. این یک رکن مهم جنبش سرنگونی حکومت است.

فرار منصوری به رومانی بدلیل ترس از دستگیری و دادگاهی شدن در آلمان بود. تشکیل دادگاهی در آلمان واقعه ای مهم علیه سیستم قضایی جمهوری اسلامی میبود و دریچه ای میشد برای افشای کل سیستم جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی که با حضور رسانه های مختلف فارسی و اروپایی بازتاب بین المللی گسترده ای پیدا میکرد و موفقیت قابل توجهی برای حزب کمونیست کارگری و اپوزیسیون جمهوری اسلامی میشد. منصوری باید به قتل میرسید تا حتی در ایران نیز پایش به دادگاه کشیده نشود. او جعبه اسراری بود که بدلیل رسانه ای شدن در سطح بین المللی و فرار او به رومانی دادگاهش جایگاه ویژه ای پیدا میکرد، پای دانه درشت های فاسد حکومت را به میان میکشید و برای حکومت بشدت زیانبار بود. تلاش ما برای محاکمه قاضی فراری حکومت در آلمان به نتیجه نرسید اما تا همینجا کل این مساله ضربه ای به حکومت بود. تعقیب این قاضی حکومت و فرار او از آلمان نتیجه مبارزه ای است که بیش از بیست سال ادامه داشته است. به اتفاق مهم دیگر یعنی محاکمه دو افسر سوری در روز ۲۲ آوریل امسال (فروردین ۱۳۹۹) در شهر کوبلنز آلمان هم لازم است اشاره شود. این دو جنایتکار حکومت سوریه را مخالفین دولت اسد در آلمان شناسایی کرده بودند. این دادگاه نیز انعکاس وسیعی در میان احزاب سیاسی و رسانه های آلمان داشت. مدیر امنستی در آلمان این محاکمه را دادگاهی تاریخی خواند و از سایر دولت ها خواست که مشابه آلمان رفتار کنند و کسانی که مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند را به دادگاه بکشانند. این مساله نیز باعث ترس و نگرانی بیشتری برای منصوری شد.

اجازه بدهید مرور کوتاهی داشته باشیم بر مقابله با حضور جمهوری اسلامی در کشورهای غربی در دو دهه اخیر:

دو سال قبل شاهرودی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی بدلیل فعالیت وسیعی که در آلمان برای دستگیری او به راه افتاد معالجه اش را ناتمام گذاشت و به دستور جمهوری اسلامی از آلمان فرار کرد. او فشار را بیخ گوش خود میدید و از در پشت بیمارستان سمیعی در هانوفر توسط پلیس آلمان فراری داده شد و با عجله و با هواپیمایی اختصاصی راهی ایران شد.

یک سال و نیم بعد از فرار شاهرودی، حمید نوری از جنایتکاران حکومت با شکایتی که مخالفین جمهوری اسلامی تحویل دادگاه سوئد دادند به محض رسیدن به فرودگاه آرلاندا در استکهلم در نوامبر ۲۰۱۹ (آبان ۱۳۹۸) دستگیر شد و اکنون بیش از هفت ماه است در زندان به سر میبرد. خبر تمدید حکم بازداشت او در ماه دسامبر به تیتر اصلی همه رسانه های سوئد تبدیل شد. او دادیار حکومت و از همکاران نزدیک رئیسی بود و نقش فعالی در شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ۱۳۶۷ در اوین و گوهردشت داشت. اگنس کالامارد، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی در سازمان ملل متحد درمورد بازداشت حمید نوری گفته بود: "این نخستین گام مهم به سوی عدالت دربارهٔ اعدام‌های سال ۱۳۶۷ است". صحبت این مقام سازمان ملل و مدیر امنستی آلمان در کنار دستگیری حمید نوری و محاکمه افسران سوری فضای تازه ای را ترسیم میکنند.

این اتفاقات و این فضا تاریخی از مبارزه را پشت سر خود دارند و به درجاتی چرخشی در سیاست های دول غربی نسبت به جنایتکاران را نشان میدهند. تا جایی که به مقابله با حضور مقامات جمهوری اسلامی در خارج مربوط میشود تاریخی بیست و چند ساله از مبارزه دارد: اعتراض به جلسه عبدالکریم سروش از بانیان انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی در هامبورگ در اوایل سال ۱۹۹۸، پیکت در جلسه فایزه رفسنجانی در هلند در اکتبر همان سال که باعث شد این جلسه به محل افشای جمهوری اسلامی تبدیل شود، رنگ پاشیدن به زنگنه وزیر نفت جمهوری اسلامی در بیرون هتلی در هامبورگ در سال ۱۹۹۹ که او را با هلی کوپتر از محل دور کردند، کنفرانس برلین در روزهای ۷ و ۸ آوریل ۲۰۰۰، درست بیست سال قبل، که با حضور اعتراضی حزب کمونیست کارگری و برخی دیگر از مخالفین جمهوری اسلامی به یکی از پر سر و صداترین و پر حاشیه ترین اتفاقات سیاسی تبدیل شد و حتی صدا و سیمای حکومت صحنه هایی از این کنفرانس و سخنرانی مینا احدی و تاکیدش بر سرنگونی جمهوری اسلامی را پخش کرد، تظاهرات گسترده در برلین علیه حضور خاتمی در همان سال ۲۰۰۰ که او را با هلی کوپتر به محل مذاکره بردند و بیشترین اقدامات امنیتی که تا آن تاریخ کم نظیر بود در این شهر بعمل آمد، تظاهرات علیه حضور خرازی وزیر خارجه وقت حکومت در لندن در سال 2001، آکسیون اعتراضی در محل سخنرانی مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد سابق حکومت در لندن در سال 2004 که عملا به فرار او منجر شد، آکسیون های حزب در بوخوم و لوکوم در آلمان، اعتراض قدرتمند علیه حضور متکی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در استکهلم در مه ۲۰۰۷ و دو سال بعد یعنی بعد از خیزش انقلابی مردم در سال ۱۳۸۸ در انستیتوی امور بین المللی و اروپایی دوبلین که با تخم مرغ و شعار مرگ بر دیکتاتور و خامنه ای از او استقبال کردند، حضور در جلسات سروش در کلن و تورنتو که به صحنه های افشاگری علیه پاسدار ولترها و افشای جنایات حکومت تبدیل شد، حضور در جلسه پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۸ که مشغول مذاکره با بروجردی رئیس کمیسیون امنیت مجلس اسلامی در بروکسل بودند و یکباره متوجه حضور کادرهای حزب در آن جلسه شدند و رنگ از رخسارشان پرید، اعتراض قدرتمند علیه حضور ظریف در استکهلم در سال گذشته که انعکاس وسیعی در رسانه ها داشت و مایه افشاگری زیادی علیه دولت سوئد شد، و دهها مورد دیگر که باعث بهم خوردن

ادامه در صفحه ۱۲

پیرامون کنفرانس و برنامه های حمایت از روز جهانی زندانیان سیاسی

گفتگو با **شیوا محبوبی** و **پریسا پوینده**

مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

گفتگو با شیوا محبوبی و پریسا پوینده مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

روز شنبه گذشته 20 ژوئن برابر با سی خرداد، دهمین سال کمپین جهانی بیست ژوئن بود به همین منظور گفتگویی داریم با دو تن از مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، شیوا محبوبی سخنگو و پریسا پوینده مسئول این کمیته.

انترناسیونال: روز بیست ژوئن را با فعالیتهای بسیاری پشت سر گذاشتیم. بگذارید از همین ابتدا در مورد فعالیتهای متنوعی که در این روز انجام شد سوال کنیم. چه اقدامات و حرکتهایی در این روز صورت گرفت؟

شیوا محبوبی: امسال دهمین سال اعلام روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را برگزار کردیم. قبلا قرار بود کنفرانسی در کانادا برگزار کنیم اما بدلیل شیوع کرونا از برگزاری حضوری کنفرانس صرفه نظر کرده و تصمیم گرفتیم یک برنامه آنلاین برگزار کنیم.

تدارکات و اقدامات و برگزاری این روز در دو مرحله صورت گرفت. چند هفته قبل از برگزاری مراسم، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با درست کردن کلیپ هایی در مورد این مراسم مردم را دعوت به حمایت از زندانیان سیاسی کرد. ما در چند هفته قبل از مراسم از مردم در کشورهای مختلف پیام های حمایتی دریافت کردیم که مرتبا و تقریبا هر روز قبل از روز مراسم در مدیای اجتماعی پخش شد. بسیاری با پیام های ویدیویی شورانگیزشان بار دیگر حمایت خود را از زندانیان سیاسی اعلام کردند. در طول این چند هفته مرتبا از طریق اطلاعیه و پیام ویدیویی و برنامه های تلویزیونی اطلاع رسانی کردیم. طبعا در این مرحله ما با افراد و تشکل‌ها و اتحادیه ها، اعضای پارلمان و زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف جهت دعوت از آنها برای سخنرانی و ارسال پیام تماس گرفتیم که خوشبختانه تقریبا تمام آنها به دعوت ما پاسخ مثبت دادند.

مرحله دوم روز مراسم بود. ما در این روز نزدیک به پنج ساعت کنفرانسی اینترنتی برگزار کردیم که همزمان از تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی پخش شد. در این کنفرانس ما بیش از پنجاه شرکت کننده یا در واقع پانل داشتیم که از نقاط مختلف دنیا از جمله کانادا، کشورهای اروپایی، سوریه، ایران و کشورهای آمریکای لاتین بودند. سخنرانان و پیام دهندگان شامل اتحادیه های کارگری، اعضای پارلمان ، افراد و تشکل‌های مدافع حقوق انسان، خانواده های زندانیان سیاسی از چند کشور آمریکای لاتین و ایران، چند تن از زندانیان سیاسی و همچنین فعالین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بودند. طبعا برای برگزاری این مراسم کار شبانه روزی فوق العاده وسیع و عظیمی توسط فعالین کمیته صورت گرفت. تمامی پیامها به فارسی و یا انگلیسی ترجمه شده بود و در رابطه با زندانیان عرصه های مختلف از جمله فعالین کارگری، زنان، معلمان، محیط زیست، زندانیان دو تابعیتی، زندانیان محروم از درمان، زندانیان دهه شصت، کرونا در زندانها و همچنین وضعیت زندانهای قرچک و فشافویه متن هایی توسط فعالین کمیته در طول برنامه به فارسی و انگلیسی ارائه داده شد. چند تن از هنرمندان آهنگ‌هایشان را برای ما ارسال داشتند که در طول برنامه پخش شد. ما تلاش کردیم جمع وسیعی از طیف های مختلف که مدافع آزادی زندانیان سیاسی هستند را از سراسر دنیا در این مراسم جهت حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان گرد هم آورده و یکبار دیگر نشان دهیم که چه همبستگی جهانی بزرگی برای آزادی زندانیان سیاسی در جریان است. این برنامه فرصتی را بوجود آورد تا زندانیان سیاسی و خانواده هایشان و فعالین در کشورهای مختلف هم صدا شوند.

انترناسیونال: اعلام یک روز جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی از طرف چه گروه یا نهادی صورت گرفت و چرا روز بیست ژوئن؟

پریسا پوینده: این روز از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به سازمان ها و نهادهای مختلفی در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد شد. از سال ۲۰۱۱ ما خودمان دست بکار شدیم و اقداماتی را برای برجسته کردن این روز در دستور کار قرار دادیم. در فراخوان روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، بیست جون، سال ۲۰۱۱ درپنجاه شهر در سراسر دنیا به خیابان ها آمدیم. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ بیشتر فوکوسمان بر روی برپائی آکسیونهای خیابانی با طرح یک موضوع مشخص بود. هر ساله با حمایت سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی متعدد، ابتکارات جالب از طرف برگزارکنندگان و دخالتگری خود زندانی سیاسی، خانواده هایشان وفعالین جنبش دادخواهی توانستیم برنامه های موفقی را سازمان دهیم. از سال ۲۰۱۸ تصمیم به برگزاری کنفرانس بجای اعتراضات خیابانی گرفتیم و در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ کنفرانسهای بسیار موفق و موثری در جهت رساندن صدای زندانیان سیاسی به گوش جهانیان در کشورهای سوئد، کانادا و هلند داشتیم.

چرا بیست ژوئن، سئوال تعداد زیادی از مردم و البته مهمی است که طی تمام این سالها مطرح شده است. بیست ژوئن مصادف با سی خرداد، تاریخ اعتراض دو نسل از آزادیخواهان و مبارزین علیه توحش رژیمی است که بر پایه های سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام بنا شده است. سی خرداد خونین سال

ادامه در صفحه ۱۱

او ضرورت زمانه بود

متن سخنرانی حمید تقوائی در اولین مراسم بزرگداشت منصور حکمت بعد از مرگ او - تیرماه ۱۳۸۱

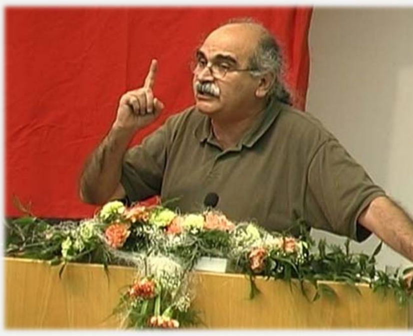

دوره هائی در تاریخ هست که بشریت نمایندگی نمیشود. مبارزه هست، همیشه مبارزه هست، مردم معترض هستند، آرمان آزادی هست، آرمان برابری طلبی و عدالت و رفاه هست، ولی زیرنویس تاریخ است، در متن نیست، به سیاست ترجمه نمیشود، در فرهنگ و هنر رسمی از کنارش میگذرند. و هر چه هست تباهی و سیاهی است. یک دوره نمونه این تاریخ دوره قرون وسطی است، ونمونه دیگر زمانه ماست اگر منصور حکمت نبود.

ما دهه های آخر قرن بیستم را زندگی میکردیم. دهه هائی که از آرمانهای انسانی اول قرن دیگر در آن خبری نبود. در سیاست ایران و در سیاست دنیا. دوره ای که، قرنی که با انقلاب اکتبر شروع شد، و با تاچریسم و ریگانیسم ختم شد. قرنی که با جنبش سوسیالیسم بین الملل شروع شد، وبا اسلام سیاسی ختم شد. درست در این دوره است که منصور حکمت پا به تاریخ میگذارد و میگوید نه، نباید اینطور باشد.

منصور حکمت زندگی سیاسی اش را با انقلاب ۵۷ شروع میکند. این چه نوع انقلابی است؟ این انقلابی است در پایان یک دوره فترت در تاریخ ایران. دوره ای که حتی آرمانهای ابتدائی که در انقلاب مشروطه داشتیم، مثل عدالتخانه، مثل آموزش و پرورش، مثل برابری، مثل بهداشت و علم که باید از غرب آورده شود، اینها همه محکوم شده و جای خودش را داده است به شرقزدگی. طالبوف و دهخدا جای خودشان را داده اند به آل احمدهای پلاستیکی. آرمان جنبش چپ آن دوره، که خود جزئی است از یک جنبش ضدشاهی، اینست که باید در مملکت سوزن بسازیم. اعتراضش اینست که نفتمان را بردند، گویا، بقول دوستی، پولش را نمیدادند، و میخواست صنایع خودش را خودکفا کند، و آرمانش این بود که روی دوش و گرده طبقه کارگر آهن را از خاک پاک آن مملکت بیرون بکشد و اتومبیل را در خاک پاک آن مملکت بسازد. این آرمانی بود که جای آزادیخواهی بلشویکی اوایل قرن را گرفته بود و حتی جای آزادیخواهی طالبوفها و دهخداها و صادق هدایتها را.

انقلاب ۵۷ در آخر یک دوره فترت اتفاق افتاد وآرمان جنبش چپ آن دوره، آرمان جنبش ضدشاهی آن دوره - با غرولندهایش به اینکه سرمایه داری در ایران خوب نیست، عقب مانده است، وابسته است، ما سرمایه داری بهتری میخواهیم - ایرانی بود که فوقش از ترکیه و یا فرانسه آنزمان فراتر نمیرفت. تمام ادعای ترقیخواهی و انساندوستی اش همین بود. در همان دوره در سطح جهان چپ ایران در کنار راست فرانسه قرار میگیرد. شما اگر افکار چپ ایران را به ایتالیائی ترجمه میکردید، میدیدند شبیه موسولینی حرف میزند وقتی راجع به فرهنگ خودمان و نژاد پاک خودمان و آهن خودمان و آفتابه مسی خودمان و پیکان خودمان صحبت میکند. زمانه فترت بود، زمانه قهقرا، در ایران و آنطور که خواهیم دید، در تمام جهان.

اما انقلاب ۵۷ یک خصیصه کاملا ویژه و متمایزی داشت با آنچه قبلا اتفاق افتاده بود، با مثلا جنبش ملی کردن نفت و اتفاقات سالهای سی و یا جنبش مشروطه. این تمایز نقش طبقه کارگر بود.

انقلاب با جنبش خارج از محدوده شروع شد، و این کارگران صنعت نفت بودند که گلوی رژیم شاه را فشردند و این جنبش کارگری بود که با اینکه زدندش و به شکست کشاندندش رنگ خودش را بجامعه زد؛ همه دموکراسی را با شورا تعریف میکردند در ایران و هنوز هم دارند میکنند. حتی مزورانی که خواستند انقلاب را بنام انقلاب بکوبند و کوبیدند، مجبور شدند نام شورا را از لنینیسم، از بلشویسم، از کارگرانی که درخیابانها بودند، بگیرند. این کارگران جوابشان سوزن نمیتوانیم بسازیم و نفتمان را بردند، و آهنگ دوتار عاشیقهای آذری نبود. کارگران میخواستند دنیا را زیر و رو کنند، کارگرانی بخیابان آمده بودند که رفاه میخواستند، آزادی میخواستند، برابری میخواستند. و آن جنبش دوران فترت، آن جنبش عقب مانده و پوسیده طبقات غیر کارگر، خرده بورژواها و بورژواهای ایران که لای فشار امپریالیستها و دیکتاتوری شاه له شده بودند و بقول خود منصور حکمت در تمام عمر زیر شنل سلطنت ناخنهایشان را جویده بودند و به :"اسلام رهائیبخش" آوانس های خودشان را داده بودند، آنها میخواستند به کارگر جواب بدهند. کارگر گفت نه! تو نماینده من نیستی! من صدای تو را نمیشنوم! انقلاب نماینده میخواست، صدا میخواست، انقلاب بلندگو میخواست و منصور حکمت آن بلندگو بود.

(کف زدن حضار)

به کارگران میگفتند بخشی از بورژوازی معذور است، چون مترقی است، ملی است، حاجی برخوردارها هستند، کبریت سازی های تبریز هستند، مال خودمانند، و کارگران را از جلوی کارخانه ها بر میگرداندند، میگفتند اعتصاب نکنید. میگفتند خمینی مترقی است، جنبش خودمان است، میخواهد آفتابه مسی بیاورد، پول نفت را قرار است قسمت کند، خانمش پیانو میزند. در استراتژی و تاکتیک آن جنبش چپ خمینی جا داشت، اسلام "رهائیبخش" بود. آن جنبش راستش خمینی بود و چپش چریک فدائی. ولی همه از نظر آرمان و افق یک چیز را میخواستند. میخواستند ایران مستقل و خود کفا بشود، سرمایه داری روی پای خودش بایستد، و فرهنگ خودمان و آداب و رسوم خودمان را داشته باشیم. طبقه کارگر، کارگران بنز خاور، کارگران بیکاری که تحصن کردند، و منصور حکمت پلاتفرمشان را نوشت و بدستشان داد، کارگرانی که در اصفهان بلند شدند و کوبیده شدند؛ اینها دیگر به این صداها گوش نمیکردند. آنها منصور حکمت را میخواستند. ضرورت زمانه بود منصور حکمت. صدای بشریت در انقلاب ۵۷ بود. انقلابی که شکستش دادند ولی بدون منصور حکمت آبرویش را میبردند، افقش را کور میکردند، سروشها و خاتمی ها ادعای نمایندگیش را میکردند. بدون منصور حکمت تاریخ شکست نخوردگان را کسی نمی نوشت و کسی نمیساخت این تاریخ را.

(کف زدن حضار)

ژوبین رازانی، جوانی که با مارکسش و با کتاب کاپیتالش راهی ایران شد در سال ۵۷، آغاز انقلاب، پشتش به این جنبش فترت نبود. از چپ جبهه ملی انشعاب هشتمش جدا نشده بود، از انشعاب پنجم حزب توده هم

جدا نشده بود، شاخه دوم چریکیسم آمریکای لاتین هم نبود. او اومانیست بود، شور بود، زندگی بود، و نقد کاپیتال مارکس بود. او آمد و گفت بورژوازی ملی نداریم، ثابت کرد نداریم. ایران سرمایه داری است. چرت است میخواهید این سرمایه داری را رشد بدهید. همین است که هست. یا سوسیالیسم یا بدبختی و فترت و قهقرا. آزادی را به جنبش کارگری بست. گفت این دیکتاتوری را میبینید، بخاطر اینست که میخواهند تسمه از گرده کارگر بکشند و تمام جامعه را باین خاطر در محاق قرار داده اند، در اختناق و خفقان قرار داده اند. این علت دیکتاتوری شاه است، این بخاطر بدجنسی شاه و یا سگ زنجیری نیست. این ضرورت سرمایه است. آزادی میخواهید، سرمایه را بزنید. آن طبقه ای که میگفت اینطورست در خیابانها بود. این دیگر جنبش ملی نبود که جبهه ملی چی ها و حزب توده چی ها و فدائی چی ها ببرندش و بخورندش و به یغمایش ببرند. جنبش کارگری بود که میگفت آری، تو راست میگوئی. مارکسیسم انقلابیش به کارخانه ها رفت. خواندندش، دورش جمع شدند، حزب درست کردند و بوسیله آن جنگیدند.

بدون منصور حکمت جنبش فترت آن جامعه را به اعماق جهنمی میبرد که حتی تصورش امروز برای ما ممکن نیست. آن سیاهی که جمهوری اسلامی در ایران برقرار کرده و تمام آن اختناقی که ۲۴ سال است در ایران حکمفرماست، و یکی از

ادامه در صفحه ۱۴

از صفحه ۳

موج دوم کرونا و موج دیگری از خیزش عمومی...

هم در این پرونده فاش شده است. این دزدها و اختلاسها که سر به فلک میزند را در نظر بگیرید باضافه بودجه هنگفتی که صرف ارگانهای سرکوبگر، بسیج و سپاه و یگانهای ویژه و زندان و غیره غیره، میشود، بعلاوه مبالغ نجومی که صرف مساجد و امامزاده ها و مراسم مذهبی و آخوند پروری و فیضیه و غیره و غیره میکنند. همه اینها نشان میدهد که ثروت باندازه کافی وجود دارد. اینطورنیست که جامعه فقیر است و یا ثروتی در کار نیست و دولت توانائی مالی ندارد. بودجه و منابع هست ولی دولت اولویتش سرکوب و تحمیق مردم است و نه تامین زندگی مردم. واقعیت اینست و چون اینطورست باید توقع و انتظار تامین معیشت همگانی را در سطح وسیعی مطرح کرد و در برابر حکومت گذاشت. اینکه چقدر و تا چه حد این خواست متحقق میشود یک بحث است و اینکه تا چه حد خواست تامین معیشت به یک جنبش عمومی و گسترده که جمهوری اسلامی را از هر طرف تحت فشار قرار دهد بدل میشود بحث دیگری است. نفس شکل گرفتن چنین جنبشی بسیار مهم است. همه مبارزات همین نقش را دارند. مبارزه علیه اعدام ،علیه فساد حکومتی، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای افزایش دستمزدها، علیه ستم بر زنان و آپارتاید جنسیتی و حجاب اجباری، مبارزه بازنشستگان و معلمان برای حقوق انسانی شان و غیره و غیره، همه جمهوری اسلامی را در عرصه های مختلف بچالش کشیده اند. در شرایط امروز یک موضوع محوری و جنبشی که میتواند به یک حرکت عمومی و وسیع تبدیل بشود همین مساله تامین معیشت همگانی است. باید پرچم این خواست را بر افراشت.

خلیل کیوان: در مورد هفت تپه صحبت کردید. هفت تپه بر تارک جنبش کارگری و جنبش مبارزاتی در ایران میدرخشد. سالهای گذشته دیدیم. گفتمان اداره شورایی، گفتمان علیه فساد و رانت خواری، متحد کردن مردم در سطح شهر از جمله دستاوردها و ویژگیهای اعتراضات هفت تپه بود. هفت تپه مجددا به میدان آمده است. از دو هفته قبل یعنی از ۲۵ خرداد شروع کردند. ۲۶ خرداد در مقابل دفتر مدیریت که به آن سنگر میگویند، تجمع کردند. تصمیمات مهمی گرفتند. یکی از تصمیماتشان این بود که اقداماتی که در دستور میگذارند شورایی اتخاذ بشود. تصمیم دومشان این بود که علیه فساد و خصوصی سازی و علیه اسد بیگی و رستمی میایستیم. خواست پرداخت حقوقها و تامین معیشت هم یک مطالبه مهم کارگران است. مطالبات دیگری نظیر بازگشت به کار رهبران کارگران و مشخصا بازگشت به کار اسماعیل بخشی را طرح کرده اند. بنظر شما اهمیت دوباره به میدان آمدن هفت تپه در چیست؟

حمید تقوائی: به نظر من امروز کارگران هفت تپه فقط خواستهای خودشان را مطرح نمیکنند بلکه پرچم خواستهای همه کارگران در ایران را برافراشته اند و در یک سطح عمومی خواستهای توده عظیم مردمی را که به زیر خط فقر رانده شده اند. مبارزه آنها علیه فساد و اختلاس، علیه اسد بیگی بعنوان سمبل حکومت و مدیران و کارفرماهائی که خون کارگران را در شیشه کرده اند، علیه خصوصی سازی و فساد و چپاولی که تحت این نام صورت میگیرد، و با خواست باز گشت به کار همه کارگرانی که بخاطر دفاع از حقوق کارگران به زندان افتاده اند، و خواست پرداخت همه دستمزدها و طلب کارگران و غیره، در واقع مبارزه برای خواستهای همه کارگران ایران و همه مردم ایران است. هفت تپه امروز در پیشاپیش جنبش کارگری و در پیشاپیش جامعه سر بلند کرده است و دارد حرف دل همه را میزند.

این را هم در نظر بگیرید که هفت تپه سابقه طولانی در اعتصاب و مبارزه دارد. مرکزی است که شعار اداره شورائی را مطرح کرده است و این شعار در سطح جنبش کارگری و دانشجوئی و در میان فعالین و مردم معترض با استقبال روبرو شد. الان دوباره دارد هفت تپه با رهبران جدید و آژیتاتورهای جدید و با فعالینی که دوباره در جلوی صف قرار گرفته اند سر بلند میکند. ازین نظر هم هفت تپه بازگشت جامعه به خیابان را نشان میدهد و به این معنی سمبل و نماد موج تازه اعتراضاتی عمومی است که در حال شکل گیری است. مبارزات هفت تپه شایسته بیشترین حمایتها در سطح جنبش کارگری و در سطح کل جامعه است. این را هم باید اضافه کرد که تا امروز تعداد زیادی از تشکلها و کمیته ها و نهادهای کارگری از اعتصاب هفت تپه اعلام حمایت کرده اند. و از این نظر هم هفت تپه دارد بر میگردد به موقعیتی که دو سال پیش داشت.

خلیل کیوان: مبارزه در دل بحران کرونا و علیه بی عدالتی ها در همه جای دنیا در جریان است. میبینیم که در بسیاری از کشورها تجمعات اعتراضی برگزار میشود و جنبش علیه راسیسم را شاهد هستیم. ولی در ایران جنبش " من نمیتوانم نفس بکشم" و مبارزه ای که در دل بحران کرونا در جریان است، شباهتی به بقیه نقاط دنیا ندارد. در کشورهای دیگر مطالبه ای دارند، تغییری میخواهند و یا نهایتا میخواهند کابینه ای و دولتی تغییر کند. در ایران این حرکت حکومت را نشانه گرفته است. چرا در ایران مبارزه این خصلت را دارد؟ چرا در جاهای دیگر اینطور نیست؟

حمید تقوائی: علت روشن است. در ایران مردم با بیش از چهادر دهه تجربه به این حقیقت پی برده اند که تا جمهوری اسلامی هست به خواستهایشان نمیتوانند برسند. حتی به ابتدائی ترین خواستهایشان. به همین خاطر هر اعتراضی در ایران به سرعت به چالش کل حکومت و کل نظام موجود تبدیل میشود. این واقعیت را در نقطه اوج هائی نظیر خیزش ۹۶ و ۹۸ میبینید. قبل از آن هم این نوع خیزشها را داشتیم و از این پس نیز همینطور خواهد بود.

به نظر من آن جنبش اصلی که در ایران همه اعتراضات جاری در عرصه های مختلف را به هم پیوند میدهد و همبسته وهمراه میکند و در هر فرصتی در مقابل کل حکومت بمیدان می آید جنبش سرنگونی هست. تردیدی نیست که مردم خواستهای مبرم و مشخصی دارند. تامین معیشت، مساله رفع تبعیض علیه زنان و درهم شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی، آزادی زندانیان سیاسی، داخواهی جانباختگان و به محاکمه کشدن جانیان حاکم، و غیره غیره همه این خواستها برحق اند و باید برای همه اینها مبارزه کرد ولی همه فعالینی که در این عرصه ها مبارزه میکنند میدانند تا جمهوری اسلامی هست نمیتوان به این خواستها رسید. مردم مبارزه در همه این عرصه ها را مبارزه ای برای عقب راندن و تضعیف حکومت می بینند و در واقع با طرح این مطالبات حکومت را بچالش میشکنند.

سرنگونی طلبی گرایش قوی و گسترده ای در جامعه هست که بازتاب آنرا در دوره

ادامه در صفحه ۹

آزادی برابری حکومت کارگری

از صفحه ۸

موج دوم کرونا و موج دیگری از خیزش عمومی...

کرونا هم دیدیم. همانطور که اشاره کردید شعار من نمیتوانم نفس بکشم در آمریکا و در کشورهای دیگر اساسا علیه راسیسم مطرح میشود. البته در آنجا هم مسائل پایه ای تر و عمیقتری مطرح است و در سراسر دنیا هم میشود این را دید که جنبش علیه راسیسم همان شورش پسا کرونا است که خیلی ها پیش بینی میکردند و هشدار میدادند که اعتراضات گسترده ای در پیش است. امروز در قالب اعتراض به راسیسم این اعتراضات شکل گرفته است. ولی در ایران این قالب تبدیل شده است به گفتمان من نمیتوانم در کل نظام و سیستم موجود نفس بکشم. زنان میگویند من نمیتوانم نفس بکشم چون زن هستم. و این شعاری علیه تبعیضات فاحش حکومتی علیه زنان هست. کارگران میگویند من نمیتوانم نفس بکشم چون ابتدائی ترین حقوق کارگر که در بسیاری از کشورها برسمیت شناخته شده در ایران نفی میشود. چون حتی به "جرم" برگزاری مراسم روز جهانی کارگر فعالین کارگری دستگیر میشوند و به شلاق و زندان محکوم میشوند. جوانان هم نمیتوانند نفس بکشند، مردم منسوب به مذاهب دیگر و بی خدایان هم نمیتوانند نفس بکشند، همجنس گرایان هم نمیتوانند نفس بکشند و غیره و غیره. به این معنی گفتمان و فریاد من نمیتوانم نفس بکشم که اساسا در کشورهای دیگر علیه راسیسم معنی پیدا کرد در ایران تبدیل شده است به شعاری علیه کل نظام. و این هم جلوه دیگری از قدرت و گسترش جنبش سرنگونی در ایران است.

خلیل کیوان: در یکسال اخیر اقشار وسیعتری به مبارزه کشیده شده اند. دادخواهی گسترده تر شده است. خانواده های قربانیان پرواز ۷۵۲، کسانیکه در خیزش های ۹۶ و ۹۸ فرزندان و عزیزانشان کشته شده اند، کارگران خدماتی، پرستاران و پزشکان و ... همه اینها به دایره مبارزه کشیده شده اند. به یک نحوی جنگ بقا از دو طرف، از سوی حکومت برای باقی ماندن در قدرت و سوی مردم برای خلاصی از این وضعیت شروع شده. این مبارزات اشکال مشخصی بخود خواهد گرفت. بنظر شما کدام اشکال میتوان این جنبشی که مجددا بحرکت در آمده است را گسترده تر، پر توان تر، و پر قدرت تر بجلو ببرد؟

حمید تقوائی: این اشکال را تجربه همین یکسال اخیر بدست داده است. در دیماه ۹۶ مردم در شهرهای مختلفی بمیدان آمدند با شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و با این شعار که اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا. و در ۹۸ مردم شیوه هائی به کار گرفتند برای آنکه ماجرا را تمام کنند. شیوه هائی نظیر بدست گرفتن کنترل محلات، حمله به مراکز حکومتی مثل دفاتر امام جمعه ها و فرمانداریها و پایگاههای یگانهای ویژه حکومت و همینطور بانکها و غیره، در محله هائی درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر حکومت، و غیره.

در دوره کرونا هم مردم ارگانهای خودیاری مردمی تحت نامه کمیته های امداد و یا شوراهای محلی را تشکیل داند و به کمک قربانیان کرونا شتافتند. در این دوره همانطور که اشاره کردید اقشار جدیدی مانند پرستاران و پزشکان و کارگران بخش خدمات به مبارزه کشیده شدند. در دوه قبل هم بعد از شلیک به هواپیما خانواده های قربانیان این حادثه متشکل شدند و به خانواده هائی که عزیزانشان را در خیزش آبان ۹۶ و در ۹۸ و قبل از آن در کشتارهای دهه شصت از دست داده بودند پیوستند و جنبش داخواهی گسترده ای شکل گرفت.

اینها همه اقشار و چهره ها و فعالین تازه و اشکال نوین مبارزاتی است که جامعه بدست داده است. در کنار اینها اعتصابات وسیع کارگران را شاهدهستیم. ما همیشه بر ضرورت اعتصابات سراسری تاکید میکردیم و امروز اعتصاب هفت تپه و حمایت وسیع از این اعتصاب نشان میدهد که زمینه و شرایط شکل گیری اعتصاب عمومی وجود دارد. در ضمن این را هم بگویم که اعتصاب هفت تپه به معنی خانه نشستن کارگران نیست. اعتصاب با تجمع در محل کار همراه است. با تجمع در "سنگر" در مقابل دفتر مدیریت که شما اشاره کردید. که در واقع نوعی مجمع عمومی برای تبادل نظر و تصمیم گیری برای ادامه اعتصاب است.

اینها اشکال مبارزاتی است که ما بر آن تاکید میکنیم. ما براعتصابات سراسری، بر تشکیل ارگانها و کمیته ها و شوراهای محلی، شوراهای خودیاری، شوراهای مردمی برای تدارک مبارزه در محلات و در دست گرفتن کنترل محلات، و کسب آمادگی برای رویاروئی با نیروهای سرکوبگر و دست بردن به اسلحه، تاکید میکنیم. این اشکال را مردم بدست داده اند. به نظر من تظاهراتها دوباره شکل میگیرد، تجمعات مثل تجمع کارگران هفت تپه و معلمان و بخشهای دیگری از کارگران در مقابل مجلس و در مقابل فرمانداریها شروع شده است. باید منتظر گسترش این شیوه ها و اشکال مبارزاتی بود و برای سازمان دادن و تقویت آنها تمام امکانات را بکار گرفت.

خلیل کیوان: دو دقیقه وقت داریم. یک سئوال از شما دارم. همه شواهد و قرائن نشان میدهد که ما با یک انفجار عظیم سیاسی و اجتماعی روبرو هستیم. وقتی با چنین اوضاعی روبرو هستیم باید در سطح ماکرو، وسیع و همگانی آماده شد. سئوالم از شما این هست. بعنوان لیدر حزب کمونیست کارگری ایران بگویید که چه باید کرد؟ و حزب کمونیست کارگری بطور مشخص چه سیاستی در رابطه با این اوضاع در دستور دارد؟

حمید تقوائی: من از این فرصت استفاده میکنم و فراخوانم را مطرح میکنم. چون الان وقت برای توضیح کل نقشه عمل حزب نیست.

اشکال و شیوه های مبارزاتی که جامعه در عرصه های مختلف، بوژه از ۹۶ تا امروز، تجربه کرده است همه به همت فعالین و پیشروان عملی در جنبش کارگری و در عرصه های دیگر شکل گرفته است. همانطور که بالاتر تاکید کردم باید این شیوه ها را بکار گرفت. فراخوان ما به همه این فعالین این است که با تشکیل مجمع عمومی ها در محل کار، با تشکیل جمعهای محلی و با تدارک و کسب آمادگی برا ی اعتصابات سراسری و برای تظاهراتها و اعتراضات در سطح محلات، جامعه را برای طوفانی که در راهست اماده کنند تا این بار خیزش توده ای بتواند متحد و متشکل و بهم پیوسته به پیش برود. ما همچنین تمام فعالین را فرامیخوانیم که سیاستهای حزب را دنبال کنند و رهنمودها و راهکارهای حزب را بکار ببرند. راه پیشروی و پیروزی این است.*

از صفحه ۴

کارگران نیشکر هفت تپه الگوی...

نیز بر این حقیقت تاکید داشت و ما زودتر آنرا پیش بینی کردیم. و امروز می بینیم که جامعه با اعتراضاتش دارد قرنطینه کرونا را می شکند و اوضاع بسرعت به سمت و سوی خیزشی میرود که به مراتب قدرتمند تر از آنچه در آبانماه و در دیماه ۹۶ بود خواهد بود. نیشکر هفت تپه طلایه های چنین حرکتی است و پیشتاز جامعه پرتلاطم امروز است.

انترناسیونال: آیا خواستهای کارگران همان خواستهایی است که در سال گذشته داشتند و عملی نشده است یا خواستهای تازه ای از جانب این کارگران مطرح میشود؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که کارگران نیشکر هفت تپه با اعتراضات جانانه شان در سال ۹۷ توانستند عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کنند. جمهوری اسلامی در کنار سرکوبگری ها شروع به دادن وعده و وعید هایی کرد. در همان موقع بخشی از طلب های کارگران پرداخت شد. بخشی از قراردادهای موقت کاری نی بر ها تمدید شد و مهمتر اینکه بالاخره مجبور شدند اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان مربوط به این پرونده را آزاد کنند و اخیرا نیز احکام زندان بخشی و خنیفر و علی نجابی و شماری از حامیان مبارزات این کارگران لغو شد. و امروز کارگران با کشیده شدن اسد بیگی و رستمی و دارو دسته مافیایی اش به دادگاه، قدرت خود را می بینند. اما نکته اینجاست که دوباره کارگران با معضل دستمزدهای پرداخت نشده و زمزمه های فروش زمینهای نیشکر هفت تپه و به خطر افتادن کار و معیشت خود روبرو هستند. آنهم در شرایطی که قدرت خرید کارگران هر روز پایین تر آمده و فقر و گرسنگی بیداد میکند. در نتیجه پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده بخش های مختلف این مجتمع و تمدید دفترچه های بیمه و دائمی کردن قراردادهای کاری نی برها و بازگشت به کار آن بخش از کارگرانی که قراردادشان تمدید نشده است خواستهای فوری این کارگران است. در عین حال خواست اصلی آنها خلع ید از بخش خصوصی به عنوان یک شکل آشکار و عیان اختلاس ها در نیشکر هفت تپه است. اما با توجه به اتفاقاتی که طی مبارزات دو سال اخیر در نیشکر هفت تپه روی داده است خواستهای مهم دیگری نیز به جلو آمده و در لیست مطالبات فوری کارگران قرار گرفته است. بطور مثال همانطور که اشاره کردم این کارگران موفق شدند با مبارزات و با کمک همبستگی های گسترده در ایران و در سطح جهان، کاری کنند که جمهوری اسلامی ناگزیر به عقب نشینی شود و احکام قضایی صادره برای اسماعیل بخشی، دیگر فعالین کارگری هفت تپه و تعدادی از حامیان این اعتراضات که متصل به پرونده هفت تپه بودند را لغو کند. اکنون آنها خواستار بازگشت به کار اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و دو همکار دیگر اخراجی خود ایمان خضری و سالار بیژنی هستند. در عین حال به بازگشت به زندان سپیده قلیان که در رابطه با این پرونده ۵ سال حکم گرفته و حکمش اجرایی شده اعتراض دارند. نکته دیگر اینکه همین روز ها اسد بیگی سردسته دزدان در هفت تپه به بهانه پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، تحت عنوان "آزادی مشروط"، از زندان مرخص شد. کارگران این را بهانه ای برای وقت خریدن برای وی و خارج کردن او از زیر بار این پرونده میدانند. از همین رو خواست فوری آنان بازداشت اسدبیگی و محاکمه اوست. اعتراض کارگران نه فقط به دزدی ها و چپاولگری های وی بلکه به سرکوبگری هایش در این کارخانه و بالا کشیدن حق و حقوقشان است.

بهر حال اسد بیگی چهره کثیف و شناخته شده ای برای همه است. او سردسته باندی است که هر سر آن به یکی از مقامات حکومتی میرسد. او با اتکاء به این قدرت مافیایی اش نیروی انتظامی و دستگاه قضایی و همه دستگاه سرکوب حکومت را به خدمت گرفت و با قدرت مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را سرکوب کرد. از همین رو او عنصری کریه و منفور در نزد کارگران نیشکر هفت تپه است. امروز این کارگران با خشم تمام بر مجازات "حبس ابد" برای اسد بیگی نیز تاکید میکنند. اما بد نیست همین جا اضافه کنم که خواست مجازات اسدبیگی و اسدبیگی ها و کلیه سران حکومت و باندهای مافیایی متصل با آن خواست همه مردم است و باید تک تک اینها محاکمه شوند. اما مجازات هایی چون حبس ابد و اعدام از نوع مجازاتهایی هستند که حکومت های وحشی و دیکتاتوری ای همچون جمهوری اسلامی مجریان آن هستند وبا اتکاء به چنین مجازاتهایی حاکمیت کرده و میکوشند که جامعه را به قهقرا ببرند. از این رو طرح این خواست به این صورت از نظر من ایراد جدی دارد. خواست همه ما مردم محاکمه اسد بیگی ها و تک تک سران حکومت در دادگاههای علنی مردمی است و مبارزه ما برای جارو کردن کل بساط توحش و بردگی حاکم است.

و بالاخره اینکه یک خواست دیگر کارگران نیشکر هفت تپه بازگرداندن ثروتهای دزدی شده توسط باند اسدبیگی و دست اندرکاران حکومتی به شرکت و در خدمت پرداخت طلبهای کارگران و بهبود وضعیت شرکت و وضعیت شغلی کارگران است. و این خواست بسیار مهم است. امروز کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت اتحاد و شورای خود برای این خواست و سر پا نگهداشتن هفت تپه مبارزه میکنند و داشتن امنیت شغلی را حق مسلم خود میدانند. به این اعتبار خواستهای امروز کارگران نیشکر هفت تپه حاصل یکسری پیشروی های مبارزاتی آنهاست و نسبت به قبل بدرجه ای جلو تر است.

انترناسیونال: اشاره کردید که کارگران در روزهای اخیر تصمیمات خود را از طریق مجمع عمومی و به شیوه شورایی گرفته اند و عملا شورای خود را نیز پایه گزاری کرده اند. این جنبه چه اهمیت و جایگاهی در مبارزات کارگری در این دوره دارد و نظر شما در این مورد چیست؟

شهلا دانشفر: روز یک تیر بود که کارگران در تجمع اعتراضی شان در محل "سنگر" که مقابل دفتر مدیریت قرار دارد، اعلام کردند که اعتراضاتشان را شورایی به جلو خواهند برد و اعلام این تصمیم به نقطه عطف دیگری در مبارزات این کارگران تبدیل شد. با این تصمیم در واقع کارگران نیشکر هفت تپه شورای اعتراض خود را پایه گذاری کردند و با برافراشتن دوباره این پرچم بر فراز هفت تپه به میدان آمدن قدرتمند دوباره خود را اعلام کردند. جمهوری اسلامی همانطور که اشاره کردم شورای این کارگران را در سال ۹۷ مورد یورش قرار داد. نمایندگان کارگران را دستگیر و زندانی کرد و اکنون کارگران نیشکر هفت تپه شورای خود را دوباره برپا کرده و شمار بیشتری از آنان پا به جلو گذاشته و به عنوان نماینده کارگران دارند عرض اندام میکنند. بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه با رسمیت دادن به شورای خود پاسخ محکمی به سرکوبگری های جانیان اسلامی میدهند.

از سوی دیگر نیشکر هفت تپه با این کار در واقع پاسخ درست ایجاد تشکلهای سراسری کارگری را بطور عملی داد و ممکن بودن ایجاد آن را به نمایش گذاشت. و این نوین است و به کل جامعه راه نشان میدهد. بویژه کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضات سال ۹۷ گفتمان ایجاد شوراها را به درون جامعه آوردند و امروز خود مبتکر ایجاد آن و اعلام علنی اش شده اند.

در عین حال برپایی شورا و اتکای کارگران نیشکر هفت تپه به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی شان بار دیگر جایگاه و نقش مجمع عمومی و شورای کارگری را در حفظ اتحاد و اعمال اراده مستقیم خود کارگران به نمایش

ادامه در صفحه ۱۱

از صفحه ۱۰

کارگران نیشکر هفت تپه الگوی...

گذاشت. و این چیزی است که کارگران نیشکر هفت تپه در تجربه مبارزاتی شان به آن رسیده اند. امروز تاکید این کارگران بر تصمیم گیری جمعی در مجمع عمومی هر روزه شان به عنوان راهی موثر برای مقابله با هر گونه تفرقه افکنی ای و به انحراف کشیدن مبارزاتشان است. این تجربه مهمی است و از تجربیات نیشکر هفت تپه باید آموخت.

و بالاخره اینکه پایه گذاری مجدد شورا در هفت تپه عملا میخ آنرا در این کارخانه ودر جنبش کارگری کوبید و جایگاه و اهمیت این اتفاق بسیار فراتر از خود هفت تپه است. شوراها بطور واقعی آلترناتیو چپ جامعه در سیر تحولات سیاسی جامعه است و هفت تپه سنگ بنای آنرا گذاشته است.

انترناسیونال: به چه شیوه هایی کارگران و مردم و همچنین احزاب و تشکلهای مردمی میتوانند از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت و پشتیبانی کنند؟

شهلا دانشفر: کارگران نیشکر هفت تپه با توجه به اعتراضات درخشانی که بطور مشخص در این چند ساله داشته اند، امروز جایگاه و موقعیتی کلیدی و مهمی در جنبش کارگری و در سطح جامعه دارند. از همین رو هم اکنون تمام سرها بطرف هفت تپه چرخیده است. در همین مدت تشکلها و گروههای مختلفی از کارگران، معلمان و بازنشستگان حمایت خود را از مبارزات و خواستهای این کارگران اعلام کرده اند. همچنین اخبار این مبارزات در گروههای مختلف مبارزاتی با هزاران عضو هر روزه رسانه ای میشود. این همبستگی ها و پشتیبانی ها باید گسترش یابد. پیوستن دیگر نهادها و گروههای مبارزاتی به حمایت و دادن پیامهای همبستگی به کارگران نیشکرهفت تپه یک قدم مهم در این راستاست. طبعا یک حلقه کلیدی در جلب همبستگی اجتماعی و مردم شهر شوش و دیگر شهرها حضور فعال خانواده ها است که ما همواره بر روی آن تاکید کرده ایم.

همچنین فراخوان ما به حمایت وسیع کارگران در تمام مراکز کارگری از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است. فراخوان ما به همبستگی مردم شوش و دیگر مراکز کارگری در این استان با کارگران نیشکر هفت تپه است.

بعلاوه هفت تپه را باید تکثیر کرد. هم اکنون بخش های مختلفی از کارگران و بخش های مختلف جامعه در اعتراضند و هفت تپه میتواند الگویی برای رفتن جنبش کارگری بسوی اعتصابات سراسری است. از جمله در همین مدت اخیر شاهد تجمعات کارگران برق فشار قوی، تجمعات معلمان حق التدریسی و قرار دادی، کارگران راه آهن در شهرهای مختلف، کارگران مخابرات، کارگران شهرداری ها، کارگران معادن در چندین شهر، پرستاران و بخش های مختلف کارگری بوده ایم. همه این بخش ها که نام بردم سابقه برگزاری اعتصابات و تجمعات سراسری را دارند و امروز میتواند همگام با نیشکر هفت تپه به میدان بیایند و خواستهایشان را اعلام کنند. همچنین در جوار نیشکر هفت تپه فولاد اهواز قرار دارد که با خواستهای مشترکی با نیشکر هفت تپه و هم پای آن در سال ۹۷ به میدان آمدند و خیابانهای شهر اهواز را به لرزه در آوردند و صدایشان در همه جا پژواک پیدا کرد. گسترش دامنه این اعتراضات یک شکل عملی تقویت مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است.

طبعا یک وجه مهم دیگر کار جلب حمایت و همبستگی جهانی کارگری است. در این عرصه نیز جنبش کارگری در ایران و مشخصا نیشکر هفت تپه پیشروی های بسیاری داشته است. امروز نیز صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه باید جهانی شود. خصوصا اینکه هفت تپه امروز نامی آشنا برای سازمانهای کارگری در سطح جهان است و گوشها برای شنیدن صدای اعتراض این کارگران باز است. ما به سهم خود تلاش میکنیم که صدای آنها در سطح جهانی باشیم. ضمن اینکه این کارگران همانند گذشته بازهم میتوانند با نوشتن نامه به نهادهای کارگری در سطح جهان صدای خود را جهانی کنند.*

از صفحه ۶

پیرامون کنفرانس و برنامه های حمایت از...

۱۳۶۰، تاریخ واقعی تولد هیولای جمهوری اسلامی است. سی خرداد شصت یک هولوکاست اسلامی است و این تاریخی است که فریاد دادخواهی همهٔ آن نسلی که انقلابی بزرگ را رقم زده بودند، ایستادگی کردند و بر آرمانهای یک زندگی بهتر پای فشردند تا آنرا به اینجا رساندند.

سی خرداد شصت مقطع شروع جنایات سیستماتیک جمهوری اسلامی از دهه شصت تا به امروز است. در این میان به سی خرداد ۸۸ برمیخوریم. تاریخی که بار دیگر جمهوری اسلامی خون به چهره جامعه زخم خورده پاشید. اینروز مصادف با جان باختن ندا آقاسلطان می باشد. دنیا لحظه جان باختن ندا را دید. این جنایت در سراسر دنیا، نفرت و انزجار بیشتری نسبت به حکومتی که برای در قدرت ماندنش از هیچ جنایتی فروگذار نکرد را دامن زد.

انتخاب بیست ژوئن به دلایل بالا و برای زنده نگه داشتن تاریخ اعتراضات مردم از دهه شصت تا به امروز است. تاریخ اعتراضاتی که اعتراضات همین امروز بر دوش آن به اینجا رسیده است. تاریخ اعتراض زندانیان سیاسی ، خانواده های آنها و جنبش دادخواهی است. برای اینکه بگوییم نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم.

انترناسیونال: امسال دهمین سال کمپین این روز یعنی بیست ژوئن برابر با سی خرداد است و قطعا این روز ارتباط با کشتار سی خرداد سال شصت در ایران دارد. اما شما هر سال یک موضوع خاصی را موضوع کمپین آن سال اعلام می کنید، چرا؟

شیوا محبوبی: بله این روز در واقع اشاره دارد به دستگیری‌ها و کشتار مقطع سی خرداد شصت و همچنین دستگیری‌ها و کشتار نسل بعدی در مقطع سی خرداد هشتاد و هشت از جمله روزی که ندا آقا سلطان را کشتند.

در رابطه با تعیین تم برای برنامه ها باید بگویم که به نظر من عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تک موضوعی نیست بلکه شامل ابعاد و مسایل مختلف می‌باشد که هر کدام نیاز به برجسته شدن ، توجه و بررسی دارد. ما هر سال از روزنه برگزاری این روز جهانی تلاش کرده ایم یک جنبه از مسایلی را که زندانیان سیاسی و خانواده هایشان با آن دست بگریبان هستند برجسته کرده و توجه مردم در سطح دنیا را به آن جلب کنیم. این روز یک مراسم صرف نیست بلکه یک آکسیون جهانی و اعلام همبستگی دنیا با زندانیان سیاسی و خانواده هایشان است. به همین دلیل ما هر سال تم مشخصی برای این روز اعلام می کنیم. برای مثال تم‌های سال‌های قبل شامل موارد زیر بودند: کودکان زندانیان سیاسی، زندانیان محروم از درمان، خانواده های زندانیان سیاسی، چهل سال جنایت و تم‌های دیگر. تم امسال بدلیل شیوع کرونا، ' زندان و کرونا' بود چرا که ما می خواستیم مساله شیوع کرونا در زندان‌ها ، فاجعه انسانی که در زندان‌ها در جریان است و در معرض مرگ قرار دادن زندانیان توسط رژیم اسلامی را برجسته کنیم.

انترناسیونال: چه برنامه هایی را امسال تدارک

ادامه در صفحه۱۳

از صفحه ۵

از کنفرانس برلین تا تعقیب و فرار...

جلسات مقامات حکومت و صحنه اعتراض و افشاگری علیه حکومت شد، اینها همه حلقه های زنجیری است که زمینه ساز فرار منصوری شد.

علاوه بر اینها باید به آکسیون های اعتراضی و حضور در جلساتی که توسط لابی های غربی جمهوری اسلامی، به منظور مشروعیت دادن به حکومت اسلامی، در کشورهای دیگر برپا میشد و افشاگری سیاسی و انعکاس این فعالیت ها در رسانه های مختلف همراه با نامه های سرگشاده و افشاگرانه به مقامات دولت های اروپایی و یا حضور هر ساله در سالن کنفرانس سازمان جهانی کار علیه شرکت مزدوران خانه کارگر جمهوری اسلامی، هفت سال مداوم شرکت موثر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت علیه غرفه های جمهوری اسلامی و وزارت ارشاد، جلب همبستگی سازمان های کارگری و یا سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق زن و زندانی سیاسی و غیره در حمایت از مبارزات مردم ایران، تجمعات اعتراضی علیه صندوق های انتخاباتی حکومت در خارج یا علیه کنسولگری ها و سفارتخانه های آن اشاره کرد. اینها گوشه ای از یک کار پیگیر و بی وقفه حزب کمونیست کارگری و برخی دیگر از سازمان های اپوزیسیون عمدتا چپ علیه حضور این حکومت در خارج کشور و فشار به دول اروپایی بوده است که به چرخشی نسبی در سیاست این دولت ها منجر شده است.

در تمام این اتفاقات و هر جا سر و کله مقامی از حکومت اسلامی برای تبلیغ و پروپاگاندا در دفاع از این حکومت پیدا شده، ما تلاش کرده ایم مردم را، یعنی قطب سومی که دول اروپایی و رسانه هایشان تمایلی به نام بردن از آن ندارند، را نمایندگی کنیم و افکار عمومی و طیف وسیعی از احزاب و سازمان های سیاسی در غرب را متوجه حقایقی در جامعه ایران کنیم. ما اجازه ندادیم که دو خردادی ها که در داخل دستشان به خون مردم و همه سرکوب ها و اعدام های سیاسی آلوده است بعنوان نماینده مردم عرض اندام کنند. ما با آکسیون گذاشتن و یک دنیا کار سیاسی مستمر، مردمی را که کلیت جمهوری اسلامی را دشمن خود میدانند نمایندگی کرده ایم. ما به نمایندگی از طرف مردم به دول غربی گفته ایم این حکومت دشمن مردم است، یک حکومت تروریستی و قاتل و سرکوبگر است، حکومت آپارتاید جنسی است، حکومت اسید پاشی و سنگسار است و باید با آن قطع رابطه کنید و محکومش کنید. در هر آکسیونی و قبل و بعد از آن اعلام کرده ایم که باید جلو سفر مقامات جمهوری اسلامی به کشورهای دیگر و مشخصا کشورهای اروپایی گرفته شود. ما بیوقفه دولت های اروپایی را بخاطر مماشات با این حکومت افشا کرده ایم، گفته ایم دست در دست قاتلان و سرکوبگران مردم نگذارید، از مقاماتش دعوت نکنید، بخاطر رعایت حال خامنه ای حجاب سر دیپلمات هایتان که به ایران میروند نکنید، اصلا این حکومت را به رسمیت نشناسید و کلیه مناسبات دیپلماتیک خود را با آن قطع کنید، بدلیل چند دهه جنایت علیه بشریت، بدلیل فعالیت های تروریستی و به هزار علت دیگر آنرا مانند دولت نژادپرست آفریقای جنوبی بایکوت کنید تا مردم ایران راحت تر از شر آن خلاص شوند.

این تلاش ها اینجا و آنجا بدرجاتی دول غربی را محتاط کرده و هر بار مقاماتی از حکومت اسلامی را ملاقات کرده اند، انتقادهایی بدلیل نقض حقوق بشر به آن کرده اند و یا اعدام هایی را محکوم کرده اند و فشار آورده اند که فعالینی از زندان آزاد شوند یا از دم تیغ اعدام نگذرند. اما اتفاقات اخیر چرخش معینی در سیاست دول اروپایی را نشان میدهد که هرچند هنوز از یک سیاست کاملا تازه نمیتوان صحبت کرد اما بسیار مهم است و باید جدی گرفته شود. روشن است که تحولات سیاسی در سطح منطقه و در سطح بین المللی و سیاست اتمی و منطقه ای جمهوری اسلامی در تعیین سیاست دول غربی و تغییراتی که به آن اشاره کردم نقش داشته است اما بدون جنبش وسیع سرنگونی در ایران و مقاطع مهمی مانند ۸۸، دی ۹۶ و آبان ۹۸ و تلاش بی وقفه اپوزیسیونی مانند حزب کمونیست کارگری و همینطور فعالینی که با تلاش و شکایت خود بعنوان مثال حمید نوری را در سوئد به زندان و دادگاه کشاندند، این تغییرات صورت نمیگرفت.

این تغییرات هرچند تنها نشانه های معینی از یک تحول اساسی است اما به سهم خود راه را برای اپوزیسیون سرنگونی طلب و حزب ما بسیار هموارتر میکند. تا همیجا ترس و وحشت عمیقی در میان سران جمهوری اسلامی و جنایتکاران سابق و فعلی حکومت برای سفر به کشورهای اروپایی و زندگی در این کشورها شکل گرفته است. آنها بطور واقعی نگرانند که حضورشان در خارج لو میرود و هر آن ممکن است سر و کارشان به زندان و دادگاه بکشد. از طرفی دول اروپایی با توجه به هزینه سیاسی زیادی که حضور جنایتکاران اسلامی در کشورشان ایجاد کرده است، و قوانینی که آنها را مجبور به دستگیری و محاکمه جنایتکاران میکند، تمایلی به حضور آنها ندارند. طبعا از نظر دولت های دیگر مقاماتی که در ایران سر کار هستند، جنایتکار محسوب نمیشوند و حفظ رابطه با آنها برایشان مهم است. اما درمورد جنایتکارانی که دیگر در مسند قدرت نیستند وضع متفاوت است. هرچند درمورد حضور مقامات فعلی جمهوری اسلامی و روابط گرم دیپلماتیک با آنها نیز مجبورند دست به عصاتر راه بروند. با توجه به این شرایط باید تلاش برای تعقیب جنایتکاران حکومت اسلامی را دوچندان کرد. باید افکار عمومی را بیشتر بسیج کرد و دول غربی را با هر مورد مماشاتی با جمهوری اسلامی و سکوت در مقابل هر جنایت این حکومت تحت فشار گذاشت، آمادگی بیشتری برای اقدامات حقوقی علیه جمهوری اسلامی و مقامات آن که به خارج میایند بوجود آورد، شبکه ای از وکلا در کشورهای مختلف برای پیگرد جنایتکاران حکومت اسلامی ایجاد کرد، هر جا لازم و یا امکانپذیر است به دادگاه لاهه شکایت برد و گام به گام محدود کردن و قطع رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی را به دول غربی تحمیل کرد. و با این مجموعه اقدامات باید کاری بکنیم که هیچ مقام حکومتی که به این کشورها میاید حتی یک شب راحت نخوابد و ترس از دستگیرشدن و دادگاهی شدن رهایش نکند.

نیمه چرخشی که در سیاست برخی دول اروپایی دیده میشود را باید با تداوم مبارزه در این زمینه به چرخشی کامل برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل کرد. این یک جبهه مهم جنبش سرنگونی در ایران است .*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت
در حزب کمونیست کارگری
میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:
سایت حزب: www.wpiran.org
واتس اپ: ۲۴۶۲۶۵۵۳۴۷۷ ۴۴+
تلگرام: @wpi_hkki
پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas
اینستاگرام: wpi91
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

از صفحه ۱۱

پیرامون کنفرانس و برنامه های حمایت از...

دیدید؟ چقدر استقبال شد؟ آیا آنطور که انتظار داشتید انعکاس یافت؟

پریسا پوینده: امسال با توجه به شرایط خاص بعد از شیوع کرونا در سراسر دنیا، ما تصمیم گرفتیم یک کنفرانس دیجیتالی سازمان بدهیم. به همین منظورتقریبا از دو ماه قبلتر از بیست ژوئن طی اطلاعیه ای این کنفرانس را اعلام کردیم. هر سال یک نفر مسئول پیشبرد و هماهنگ کردن اقدامات ما بمناسبت این روز است. امسال شیوا محبوبی، سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مسئولیت این کنفرانس را بعهده گرفت و بدنبال آن طرحی را به جلسه فعالین پیشنهاد داد

پس از رای موافق اکثریت مطلق فعالین کمیته به این طرح، سازماندهی گروههای تبلیغاتی، فنی و تهیه ماتریالهای این کنفرانس در دستور کار ما قرار گرفت. تصمیم گرفته بودیم کنفرانس به دو زبان فارسی و انگلیسی باشد، به همین دلیل میبایست تمام پیام ها به انگلیسی و یا به فارسی ترجمه می شدند. این دو بخش، قسمت سنگینی ازکارما بود که تلاش شبانه روزی زیادی از بچه های تیم ترجمه و فنی طلب می کرد. برنامه شامل نزدیک به پنجاه پیام حمایتی از طرف اتحادیه های کارگری، افراد و تشکل های مدافع حقوق انسانی، نهادهای شناخته شده علیه شکنجه ومدافعین زندانیان سیاسی از خاورمیانه تا اروپا و آمریکای شمالی و امریکای لاتین ، اعضای پارلمان، خود زندانیان سیاسی، خانواده هایشان و خانواده های جنبش دادخواهی همچنین موزیک و کارهای هنری بود که به این کنفرانس تقدیم شده بود.

نتیجه و ماحصل مجموعه تمام این تلاش ها از نظر ما یک کنفرانس موفق و موثر در ابعاد بین المللی بود. این کنفرانس با وجود همبستگی بین المللی در نوع خود بی نظیر بود. ما در این کنفرانس با ارائه یک کار حرفه ای چه به لحاظ مضمونی و چه به لحاظ کیفیت یک کار ماندگار و تاریخی را ثبت کردیم. دریافت پیام های تشکر و قدردانی فراوان پس از کنفرانس از طرف فعالین سیاسی و فعالین این عرصه، بخصوص خانواده زندانیان سیاسی و فعالین جنبش دادخواهی نشان ازاهمیت و ضرورت وجود یک روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی است.

انترناسیونال: کلا جنبش دفاع از زندانیان سیاسی را در چه وضعیتی می دانید؟ آیا این جنبش در ابعادی هست که فشار جدی ای روی حکومت اسلامی بگذارد؟ ربط این جنبش با دیگر مبارزات علیه حکومت اسلامی چیست؟

شیوا محبوبی: به نظر من در مقایسه با چند سال اخیر جنبش دفاع از و برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران نهادینه تر و همینطور جهانی تر شده است. در تمام اعتراضات و اعتصابات کارگری، معلمان و دانشجویی خواسته آزادی زندانیان سیاسی از خواسته های اصلی بوده است، در سطح وکلا در ایران بارها نامه ها و بیانیه هایی در رابطه با دستگیری شرکت کنندگان در اعتراضات و رفتار غیر انسانی با آنها صادر شده است. خانواده های زندانیان سیاسی در سطح وسیعتری و به مراتب بیش از پیش در رابطه با عزیزانشان رو به مردم دنیا صحبت می کنند. نفس وجود زندانی سیاسی یعنی وجود اعتراض در جامعه و در نتیجه وجود زندانی سیاسی و مبارزه برای آزادیش در عمل فشار به رژیم اسلامی است. به نظر من جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی یکی از مهم‌ترین بخش های جنبش برای سرنگونیست. وقتی پایه رژیم بر اساس زندان است پس به همان اندازه لرزاندن این پایه از طریق مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فشار عظیمی به رژیم آورده و می آورد. جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی حلقه اتصال مبارزه اقشار و عرصه ای مختلف جامعه است و به یک معنی این جنبش در متحد و همصدا کردن مردم علیه جنایات مردم نقش مهمی دارد. شما هر عرصه ای از جمله کارگران، زنان، محیط زیست، فعالین کودک، معلمان، بهائیان و اقلیت‌های مذهبی، ال جی بی تی کیوها، هنرمندان و وکلا و غیره را در ایران در نظر بگیرید فعالینشان یا در زندان هستند و یا موقت با وثیقه آزاد شده اند. به همین دلیل جنبش برای آزادی زندانی سیاسی مختص یک قشر و طبقه و گروه نیست ، همه را در بر می‌گیرد. چرا که سرکوب رژیم همه مردم را در بر می‌گیرد. پیشروی، وسیعتر شدن و جهانی تر شدن جنبش آزادی زندانیان سیاسی از دو جنبه تاثیر گذار است. این پیشروی از یک سو رژیم را در بگیر و ببند و تهدید و فشار بر فعالین در ایران محدود تر کرده و از سوی دیگر در سطح کشورهای مختلف همبستگی جهانی وسیعی برای مبارزات مردم علیه رژیم را تقویت می‌کند.

انترناسیونال: بگذارید یک سوال هم از زندانها و کرونا بپرسیم. اخبار وضعیت زندانها در دوره کرونا چیست؟ یک نگرانی جدی از شروع کرونا این بود که زندانیان در این شرایط غیر بهداشتی و فشرده ای که دارد قربانی شوند. چه ارزیابی ای در این مورد دارید؟

پریسا پوینده: درسئوالتان به نگرانی جدی شیوع کرونا در زندانها اشاره کردید. در این رابطه باید بگویم در شرایطی که در زندانهای حکومت اسلامی با تراکم جمعیت، نبود امکانات بهداشتی حتی شوینده، نبود تغذیه مناسب و کمبود دارو و درمان روبرو هستیم، دستگاه قضائی و رژیم اسلامی عامدانه هیچ اقدام موثری جهت حفظ جان زندانیان نکرده است و هنوز این نگرانی با توجه به شرایط قرمزی که همین الان در ایران اعلام شده است، درجای خودش باقیست. جعفر عظیم زاده، فعال کارگری و زندانی سیاسی در مصاحبه ای از اینکه تمام راههای ورود کرونا به زندانها باز است، گفت. وی همچنین از خطر فاجعه انسانی در زندانها که در راه است هشدار داد و خواستار تعطیل شدن زندانها و سازمان زندانها شد. همچنین سهیل عربی با نوشتن نامه هائی از حقایق وحشتناک و شرایط غیر انسانی در زندانها که قلب هر انسان شریفی را بدرد میاورد، گفته است. تا همین امروز زندانیان زیادی در زندانها به کرونا مبتلا شده اند اما جمهوری اسلامی تلاش می کند حتی با تهدید زندانی مبتلا به کرونا از اطلاع رسانی در این مورد جلوگیری بعمل آورد. بنابر اخبار رسیده تا بحال بالاترین آمار مربوط به زندانهای ارومیه، قرچک، فشافویه و بتازگی در زندان اصفهان و بیرجند بوده است. خبر ابتلای چهار زندانی زن عقیدتی در زندان بیرجند که بتازگی از مرخصی به زندان برگشته بودند، خبر ابتلای هشتاد نفر دراین زندان را علنی و افشا کرد. در کنار مخفی کردن آمار مبتلایان به کرونا توسط رژیم اسلامی، شاهد اعتراضات و فرار زندانیان معترض دردهها زندان بودیم.

در زندانهای شیبان و سپیدار اهواز بدنبال مبتلا شدن تعدادی از زندانیان شاهد خونین ترین درگیریها و فرار زندانیان بودیم. همچنین اعتراض و فرار زندانیان از زندان پارسیلون خرم آباد، سقز، الیگودرز، سنندج، تبریز، الوند همدان، یزد و عادل آباد شیراز بدنبال شیوع کرونا در این زندانها صورت گرفت.

ما از بدو شیوع کرونا کارزاری را با نوشتن نامه های انگلیسی و فارسی به مجامع و مراجع بین المللی، بنام کرونا – زندان و با شعار جان زندانیان درخطر است، شروع کردیم. مطالبه این کارزار آزادی زندانیان، بویژه زندانیان سیاسی، بستن زندانها و تمام نهادهای خدماتی زندانها بود. این کارزار همچنان ادامه دارد و اینجا باید اعلام کنم خوشبختانه در ادامه این کارزار حالا به یک کمپین جهانی با همین موضوع کرونا و زندانیان با حضور سازمانها و نهادهای مختلف از کشورهای متعدد پیوسته ایم و امیدواریم بتوانیم توجه جامعه و مراجع جهانی را به این معضل و خواست و مطالبه جلب کنیم.*

انترناسیونال: با سپاس از شما و با آرزوی موفقیت های بیشتر برایتان

از صفحه ۷

او ضرورت زمانه بود...

وحشی ترین و عقب مانده ترین دیکتاتوریهای بشری است، یک نفر، یک جریان در مقابل آن ایستاد و هنوز هم ایستاده است؛ و در مقابل تمام آن خیل جنبش فترت که امروز زیر عبای خاتمی و دو خرداد جمع شده، مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری منصور حکمت ایستاد و گفت مذهب ضد انسان است، حقارت انسان است. آخوند خوب و آخوند بد نداریم. آخوندی هم که با عبای حریر بدنبال شاپرکها میدود همان آخوندی است که با قیافه عبوس حکم سنگسار و اعدام را میدهد. اینها سروته یک کرباسند. بورژوازی را نه تنها در رژیم شاه بلکه در تمام جنبش ضد شاهی دوران فترت، درجنبش ناسیونال مذهبی آن دوره، افشا کرد و تا روز آخر عمرش همین کار را کرد. دوم خردادیها از دست منصور حکمت خواب راحت نداشتند. هر کسی که میخواست بشریت را تحریف کند، هرکسی که قیافه اپوزیسیون بخودش میگرفت تا رژیم اسلامی را تثبیت کند، هرکسی که میخواست استحاله کند، هرکسی که میخواست سرمایه داری نوع ترکیه را بایران بیاورد، هرکسی که میخواست اسلام باصطلاح لیبرالیزه شده را بجای اسلام سرکوبگر بیاورد، در مقابل همه اینها منصور حکمت ایستاده بود و خفه شان میکرد. این کرکس هائی که دور انقلاب جمع شده بودند را منصور حکمت پراند و نگذاشت میراث انقلاب را بخورند. مشعل آن انقلاب در دست منصور حکمت بود، تا زنده بود، و امروز آن مشعل در دست ماست. **(کف زدن حضار).** منصور حکمت در ایران حرف میزد، در انقلاب ایران پا بعرصه سیاست گذاشت، ولی ایرانی نبود، مارکسیسم ایرانی نبود، انساندوستی مرز ندارد، منصور حکمت مرز نداشت. بفارسی می نوشت ولی حرفهایش جهانی بود.

آن مارکسیسم و چپی هم که در ایران داشتیم در آنجا زاده نشده بود. سر رشته اش در جنبش چریکی و جنبش مائوئی و جنبش کمونیسم روسی بود که ترجمه اش در ایران آن گروهها شده بودند و در تمام دنیا همین بساط بود. ما این دوره قهقرا را در دهه های هفتاد و هشتاد و نود، در دهه های آخر قرن بیستم، در تمام دنیا داشتیم. از اواخر دهه هفتاد، از همان موقعی که انقلاب در ایران شروع شد، در تمام دنیا دوره فترت آغاز شده بود. جهان منصور حکمت را میطلبید و نه فقط یک جامعه در یک کشور. تاچریسم و ریگانیسم آمد و گفت همین است که هست. زندگی همین است. برابری طلبی محکوم شد، مطرود شد. آرمانگرائی به پوزخند گرفته شد، مارکسیسم را پائین کشیدند. مجسمه لنین را بهمراه همه آرمانهای بشری به خاک کشیدند، گفتند همین است که هست. این دنیاست، دنیائی که ما ساخته ایم و شما راه بجائی ندارید. و بعد از فرو ریختن دیوار برلین چپها اسم و رسم عوض کردند، مارکسیسم دیگر مد نبود. جنبشهای دیگری که به مارکسیسم دست انداخته بودند آنرا کنار گذاشتند، و آزادیخواهی جرم شد، برابری طلبی جرم شد، آرمانگرائی جرم شد، حرف از انسان و انسانیت زدن جرم شد. ارزش و معیار همه ارزشها شد رقابت و سرمایه داری بازار آزاد. و دنیا به دموکراسی آقای بوش و آقای ریگان تعظیم کرد. و چپها ناگهان کشف کردند که دموکراسی مارکسیسمشان گویا کم بوده. همان مارکسیسمهائی که منصور حکمت گفت مال طبقه ما نیست. مال کسان دیگر است. همان مارکسیسمهائی که میخواستند با آل احمدهای پلاستیکی در ایران انقلاب صنعتی کنند و در ایران سرمایه داری ملی را رشد بدهند. آنها در تمام دنیا داشتند همین کار را میکردند. منصور حکمت گفت اینها مال ما نیست، مال طبقه کارگر نیست.

در این دوره منصور حکمت حزب کمونیست کارگری را ساخت. در زمانی که کمونیستها پرچمها را پائین کشیده بودند، داس و چکشها را پاک کرده بودند، رنگ سرخ را رویش رنگ سفید زده بودند، اسمشان را عوض کرده بودند. همه دموکراسی شده بودند، همه پارلمان شده بودند، همه کشف کرده بودند که شوروی شکست خورده و جز بازار آزاد راهی نیست. منصور حکمت در برابر همه اینها گفت نه! من حزب کمونیست کارگری را میسازم و تازه برمیگردم به مارکس، به کارگر تکیه میکنم و شد صدای آزادیخواهی بشر زمانه ما. از انقلاب ۵۷ بلند شد تا به تمام دنیا بگوید که دموکراسی پوچ است. دموکراسی بر سر آزادی انسان نیست، دموکراسی بر سر حاکمیت یک طبقه است. پارلمانتاریسم آزادیخواهی نیست. بشر یک فرد نیست که یک روز میروید رای اش را میگیرید. بشر کسی نیست که شما مثل بوکسورها در رینگ بوکس می اندازیدشان بجان هم و میگوئید ببینید رقابت جزء ذاتشان است، این ذات بشر نیست. دونفر را میگذارید جلوی هم و میگوئید بکش و یا کشته شو، خب مجبورست بکشد. کشتن جزء ذات بشر نیست، رقابت جزء ذات بشر نیست. منصور حکمت گفت بشر میخواهد آزاد زندگی کند و آزادی میخواهد، رهائی میخواهد. او انسان را به مارکسیسم برگرداند و مارکس را به کارگر برگرداند و سوسیالیسم و آزادیخواهی را به دنیا برگرداند. " دموکراسی، تعابیر یا واقعیات" را نوشت. نقد آن ناسیونالیسمی را نوشت که بعد از فروپاشی شوروی از یوگسلاوی بلند شد و همه جهان را گرفت. و امروز در ایران دارند طرح فدرالیسمشان را علم میکنند، و دارند تکه پاره کردن جامعه را خواب میبینند. منصور حکمت نقد ناسیونالیسم امروز را نوشت و گفت این ناسیونالیسم دوره مارکس نیست، ناسیونالیسم دوره لنین نیست، این قومپرستی است، این فاشیسم است. این انداختن همسایه ها بجان یکدیگر است، همانطور که در سراسر یوگسلاوی چنین کردند و فردا میخواهند در ایران همین کار را بکنند. اگر منصور حکمت در مقابلشان نبود مانعی برای این کار نداشتند.

او در مقابل اسلام سیاسی که دنیا را گرفت ایستاد. در دوره قهقرائی که دنیا را داشتند بقعر تاریخ میبردند و همه لجن تاریخ را رو میآوردند، و مذهب میشد پرچم آزادیخواهی، اسلام در سیاست جا باز میکرد و اسلام سیاسی را حتی در غرب هم احترامش را داشتند، اگر گوشه تروریسمش به منافع غرب برنخورد چه اشکالی دارد؛ بگذار سر مردم خودش را ببرد. جزئی از نظام سیاسی دنیا شد اسلام سیاسی. اگر اسلام سیاسی منصور حکمت را در مقابل خود نداشت، دنیای ما بسیار تاریک تر میبود. اگر منصور حکمت در مقابل اسلام سیاسی نمی ایستاد، اگر در مقابل دموکراسی پارلمانی و ناسیونالیسم نمی ایستاد، و اگر در مقابل سرمایه داری بازار آزاد منصور حکمت را نداشتیم، آنوقت باید تاریخ شکست خوردگان را مینوشتیم.

در ۱۱ سپتامبر وقتی این اسلام سیاسی با معماران گذشته اش شاخ به شاخ شد و دنیا را آقای بوش تقسیم کرد به دو جبهه " یا با ما هستید و یا با تروریسم" منصور حکمت گفت نه، جهان دیگری هست، جهان متمدن. و پرچم جهان متمدن را بلند کرددر مقابل تروریسم ناتو و در مقابل تروریسم اسلامی. **(کف زدن حضار).**

منصور حکمت را از تاریخ معاصر بگیرید، به قرون وسطی میرسید. لنین را از این تاریخ پاک کردند، مارکس را پاک کردند، به دستاوردهای انقلاب اکتبر خندیدند؛ اگر منصور حکمتی نبود، بشریت دنیا، کارگران دنیا، نمایندگی نمیشدند، در زیرنویس ها هم نمی آمدند. امروز حزب ما در متن تاریخ ایران است و جنبش منصور حکمت در متن تاریخ جهان است. **(کف زدن حضار).**

و چه خوشبخت بودیم ما که همدوره او بودیم و همسنگر او بودیم و همرزم او بودیم. ما تاریخ شکست نخوردگان منصور حکمت را به تاریخ پیروزمندان تبدیل میکنیم. **(کف زدن حضار).**

منصور حکمت زنده است در نوشته هایش، در یک یک ما، در جنبشش و در حزبش، ولی قبل از هر چیز منصور حکمت زنده است چون زندگی با اوست.*

زنده باد
منصور حکمت
(کف زدن ممتد حضار)

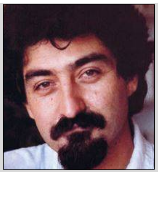

مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است." منصور حکمت

اطلاعیه در مورد انتخاب هیات اجرائی حزب

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی ۹ نفر را بعنوان هیات اجرائی حزب انتخاب کرد که عبارتند از: **کیان آذر، سیامک بهاری، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، حسن صالحی، اصغر کریمی، نسان نودینیان، کاظم نیکخواه.**

هیات اجرائی **اصغر کریمی** را باتفاق آرا بعنوان رئیس هیات اجرائی حزب بر گزید.

حمید تقوائی دبیر
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ ژوئن ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۱۲

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد یازدهمین روز خود شد

روز پنجشنبه اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه وارد یازدهمین روز خود شد. در این روز نیز کارگران در مقابل دفتر مدیریت و محل "سنگر" جمع شدند و مجمع عمومی شان را بر پا کردند. در این مجمع کارگران از خواستهایشان صحبت کرده و بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستهایشان تاکید کردند. علاوه بر خواستهای معیشتی و پرداخت فوری طلبهای کارگران و تمدید دفتر چه های بیمه و تمدید قراردادهای کارگران نی بر، کارگران بر بازگشت به کار همکاران اخراجی از جمله ایمان اخضری، اسماعیل بخشی، سالار بیژنی و محمد خنیفر می باشد. در تجمع اعتراضی روز گذشته یکی از کارگران بر روی سنگر در سخنرانی خود خواستار عذرخواهی صدا و سیمای جمهوری اسلامی از این کارگران بخاطر پخش اخبار کاذب مبنی بر پرداخت شدن طلبهای کارگران و گزارشات دروغینی که قبلا در مورد اسماعیل بخشی انتشار داده اند و بدین وسیله همصدایی آن با باند مافیایی دزد و چپاولگر در هفت تپه شد. کارگران میگویند که به آنها مربوط نیست که حساب اسد بیگی مسدود شده است. به آنها مربوط نیست که طلبهایشان را دولت می پردازد یا دستگاه قضایی، این مملکت ثروت بسیاری دارد و آنها مزدشان را میخواهند. کارگران در سخنانشان با اشاره به گرانی روز افزون در جامعه از اینکه حتی ده میلیون هم کفاف زندگی آنها را نمیدهد میگویند.

کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به مجمع عمومی و اداره شورایی اعتراضاتشان، متحدانه ایستاده اند و خواستهایشان را طلب میکنند. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.*

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۳۹۹
۲۵ ژوئن ۲۰۲۰

نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد

سپیده قلیان، زینب جلالیان و سهیلا حجاب نماینده اعتراض و نه بزرگ به جمهوری اسلامی‌اند!

از بدو تولد تا کنون، جمهوری اسلامی با تهدید و ارعاب و زندان وشکنجه قدرت مخرب خود را نشان داده است. و هربار چه از خیابانهایی که به خون کشیده تا سلول‌های بازجویی و تن مجروح زندانی سیاسی، نه! شنیده است.

نه! به جمهوری اسلامی، این صدای پر هیبت و غرور آفرین سالهاست که از دیوارهای قطور زندانهای مخوف جمهوری اسلامی تا صحن اعتراضات وسیع جامعه بر پرچم مبارزات پیگیر مبارزات مردم شجاع وجسور ایران نشسته است.

از انتشار ویدئوی شجاعانه سپیده قلیان به هنگام رفتن به زندان تا نامه جسورانه سهیلا حجاب و زینب جلالیان سیلی محکمی به صورت پلید حکومتی درنده و وحشی، وامانده و رسوا است!

جامعه دارد آخرین بندها را از پا می‌کند. دارد برای رهایی از شر جمهوری اسلامی دورخیز نهایی را بر می‌دارد .

این کیفرخواست هزاران زندانی سیاسی است که شجاعانه در برابر هیولای جمهوری اسلامی ایستاده‌اند:

" -اینجانبان زینب جلالیان و سهیلا حجاب، جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسیم و هرگز از آنها تقاضای مرخصی، آزادی و عفو نکرده‌ایم و نخواهیم کرد.

ما زندانیان سال‌هاست که در زندان‌های جمهوری وحشت، جمهوری ترور، جمهوری فقر که از حقوق انسانی برخوردار نبوده و در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی و بدون داشتن وکیل محاکمه ناعادلانه شدیم. انواع شکنجه های جسمی و روحی را متحمل شدیم. از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود هرگز برخوردار نبودیم. حکومت ستمگر، بارها و بارها تحت عناوین مختلف، با توسل به دروغ و فریب و ریا، تحت عنوان جلسه بازپرسی، جلسه دادگاهی، ما را از زندان خارج و ماه‌های متوالی در خانه‌های امن، مورد بازجویی‌های خشن (همراه با شکنجه، توهین و اهانت) قرار داد-" . . .

این روحیه رزمنده زندانیان سیاسی و خانواده زخم خورده است! این مشتی گره خورده‌ای است که بصورت جمهوری اسلامی می‌خورد!

جهان متمدن این صدای رسای اعتراض را باید به پرچم دفاع و پشتیبانی از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان بدل کنند! جمهوری اسلامی بجرم دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام و سربه نیست کردن هزاران مخالف سیاسی خود، باید از تمامی مجامع بین‌المللی به جرم جنایت مستمر علیه بشریت، اخراج گردد!

پس از همبستگی جهانی که در بیست ژوئن شاهد آن بودیم، در یک شبکه جهانی به ادامه جنایات جمهوری اسلامی اجازه نخواهیم داد. تمامی قضات فاسد و اختلاسگری که احکام فرمایشی اعدام و زندانهای سنگین برای زندانیان سیاسی صادر کرده‌اند همه و همه باید در دادگاهی علنی در سطح بین المللی محاکمه شوند.

کلیه زندانیان سیاسی باید بیدرنگ آزاد شوند!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۴ تیرماه ۱۳۹۹

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

در محکومیت حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی

این یک فراخوان به همه شما است!

حکومت اسلامی ایران با وقاحت تمام، زمینه را برای اجرای حکم اعدام سه جوان در ایران فراهم میکند. امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی.

باید در دنیا جار زد که این سه جوان، از جمله هزاران و هزاران نفری بودند که فریاد نه به حکومت اسلامی در اعتراضات آبان ماه سر دادند. مردمی که جانشان از دست یک حکومت فاشیست، انسان کش، اختلاسگر و وقیح به لب رسیده، مردمی که هیچ راه دیگری ندارند، جز سرنگون کردن این دستگاه فاسد و جانی، به خیابان آمدند و سرکوب شدند. حداقل ۱۵۰۰ نفر با شلیک مستقیم جانیان مزدور حکومتی به قتل رسیدند و هزاران نفر دستگیر شدند.

امیرحسین و سعید تمجیدی و محمد رجبی از بچه های جنوب شهر تهران هستند، نان آور خانواده و جوان که روی کار آمدن این حکومت و جنایتکاران اسلامی را ندیده اند، آنها ۱۳ سال بعد از روی کار آمدن تروریسم اسلامی در ایران تازه متولد شده و سپس زندگی روزانه آنها جنگ و جدال با حکومت و محدودیتها در زندگیشان و نبرد با فقر بوده است.

اینها متهم هستند که مردم را سازمان داده، به مراکز حکومتی حمله کرده و حتی در یک مورد دوربین را از دست مزدوران حکومتی در خیابان گرفته اند. این تنها جرم آنها است. شرکت در اعتراضات خیابانی علیه حکومت اسلامی و اکنون حکومت که از شورش و اعتراضات بعدی وحشت دارد، میخواهد به جوانان ایران با اعدام سه نفر درس عبرت بدهد، میخواهد بگوید اعتراض نتیجه ندارد و سرنوشت معترضین همین خواهد بود، غافل از اینکه این مردم که سالها است با دستگاه سرکوب اسلامی مقابله میکنند، هیچ راه دیگری ندارند جز مبارزه اگر بخواهند نفس بکشند و زندگی کنند.

امیرحسین مرادی در ابتدا در ایران دستگیر شد و سعید تمجیدی و محمد رجبی به همراه دختری به اسم شیما که هم پرونده اینها بود به ترکیه گریختند. بعد از سفر روحانی به ترکیه، بیش از سی پناهنده ایرانی از ترکیه به ایران بازگشت داده شدند که این سه نفر هم جزو آن گروه بودند. حکومت در بهمن ماه سال گذشته در یک دادگاه کذایی با ریاست قاضی صلواتی آدمکش و جانی و بالفطره ، این سه نفر را به اعدام محکوم کرد.

مشارکت در تخریب و تحریق به قصد مقابله با نظام جرم آنها بود و محکوم به اعدام شدند. سرقت مسلحانه و خروج غیر قانونی از کشور نیز جرایم دیگر اینها بود که به حبس و شلاق محکوم شدند.

این سه نفر اکنون در تیپ پنج زندان تهران بزرگ هستند. خانواده ها میگویند زیر فشار و شکنجه از اینها اقرار گرفته اند و الان دیگر هیچکس در ایران شک ندارد که اینها جرمی ندارند جز شرکت در اعتراضات خیابانی علیه حکومت فاشیست اسلامی!

دوستان گرامی!

این یک نبرد مهم علیه حکومت اسلامی ایران است!

حکومت میخواهد زهر چشم بگیرد و اکنون از یک کانال اعلام میکند که دادگاه بالاتر حکومت احکام اعدام را تائید کرده ، یعنی امکان اجرای حکم این روزها بسیار زیاد است و در مقابل موج اعتراضی که در مدیای اجتماعی شکل گرفته ، فعلا میگوید نه احکام هنوز تائید نشده است.

این یک بازی همیشگی حکومت اسلامی است. نکته مهم اینست که هر لحظه ممکن است اعدامشان کنند، چون فضای رعب و وحشت احتیاج دارند، چون خودشان دچار رعب و وحشت هستند.

پس فراخوان ما به همه شما عزیزان در ایران و در خارج، به همه از پیر و جوان و فعال مدافع حقوق انسان و مخالفین اعدام به همه جوانان در ایران اینست، بپا خیزیم و درس عبرتی به این حکومت انسان کش بدهیم.

همه میتوانند کاری بکنند، پیام بدهید، اعتراض کنید، نامه بنویسید، تویت کنید، با مقامات دولتها تماس بگیرید با نهادهای علیه اعدام تماس بگیرید، هر کس هر کاری میتواند بکند.

کمیته بین المللی علیه اعدام که سالها است علیه اعدام فعالیت میکند و خوشبختانه مورد اعتماد شما عزیزان است قول میدهد که هر کاری که بتواند انجام دهد و من بعنوان سخنگوی کمیته علیه اعدام میگویم، سوت آغاز کمپینی جهانی را میزنیم برای نجات جان این سه نفر.

با ما تماس بگیرید و کمک کنید دنیا را بر سر حکومت اسلامی خراب کنیم. ما نباید بگذاریم سه جوان را بدلیل اعتراض به حکومت بکشند.

نجات جان این سه جوان ، مهمترین وظیفه همه ما است!

مینا احدی سخنگوی
کمیته بین المللی
علیه اعدام
۲۵ ژوئن ۲۰۲۰

علیه حکومت اعدام جمهوری اسلامی بپاخیزیم!

امکان نجات همه محکومین به اعدام از مرگ وجود دارد. شرط موفقیت برای نجات جان محکومین به اعدام این است شمار هر چه بیشتری از مردم در اعتراضات علیه اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی شرکت کنند، خانواده های مقتولین حاضر نشوند در این این جنایت دولتی سهیم شوند و به قوانین قرون وسطایی قصاص نه بگویند، و همه ما تلاشهای انساندوستانه و اعتراض خود علیه اعدام را گسترش دهیم و در همه جا علیه اعدام قد علم کنیم.

اعدام قتل عمد دولتی است و باید لغو شده و همه احکام اعدام باید فورا ملغی شوند!

کمیته بین المللی علیه اعدام

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود
www.anternasional.com